



دور السيميائية في فهم دلالة الأمثال

دور السيميائية في فهم دلالة الأمثال

أ.د. غازي لعيبي شويل
جامعة بغداد - كلية اللغات

ا.م. اياد محمد حسين
جامعة بغداد - كلية اللغات

البريد الإلكتروني Email : Ayadhussain69@yahoo.com
gazi591@colang.uobaghdad.edu.iq

الكلمات المفتاحية: السيميائية ، الأمثال ، المثل القرآني .

كيفية اقتباس البحث

حسين ، اياد محمد، غازي لعيبي شويل، دور السيميائية في فهم دلالة الأمثال، مجلة مركز بابل للدراسات الانسانية، ٢٠٢١، المجلد: ١١، العدد: ٣ .

هذا البحث من نوع الوصول المفتوح مرخص بموجب رخصة المشاع الإبداعي لحقوق التأليف والنشر (Creative Commons Attribution) تتيح فقط للآخرين تحميل البحث ومشاركته مع الآخرين بشرط نسب العمل الأصلي للمؤلف، ودون القيام بأي تعديل أو استخدامه لأغراض تجارية.

مسجلة في
ROAD

مفهرسة في
IASJ

The role of semiotics in understanding the significance of proverbs

Ayad Mohammed Hussein
University of Baghdad
College of Languages

Dr.prof :Gazi AL.shwel
University of Baghdad
College of Languages

Keywords : Semiotics, proverbs, Quranic proverb .

How To Cite This Article

Hussein, Ayad Mohammed, Gazi AL.shwel, The role of semiotics in understanding the significance of proverbs, Journal Of Babylon Center For Humanities Studies, Year :2021, Volume:11, Issue 3.

This is an open access article under the CC BY-NC-ND license
(<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

[This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives 4.0 International License.](http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/)

Abstract :

Language is one of the most important factors of human communication since ancient times until the present time. It has gained special importance in studies and investigation. We note that most Western and Eastern scientists and philosophers have been interested in the sciences of logic and speech, so their names are associated with some types of linguistic sciences, including: Aristotle, Socrates, Plato, Al-Razi, Al-Farabi, ... and others. Hence, the reference was one of the concerns of scholars and linguists, and they left a lot of literature and antiquities on this subject. However, with the beginning of the last century, the subject of reference took on other importance and dimensions and became a turning point in all social fields (literary, linguistic, political, psychological, ...). Until it became a science called (signal science). To be the language under its shadows, and deals with all aspects of social life. With the beginnings of the second half of the last century, semiotic studies and their relationship to text and discourse gained the attention of





scholars, researchers, and those interested in linguistic studies. The discourse, in its various forms and types: political, religious, literary, media and other discourses, was the main axis on which these studies are based. Hence our interest in semiotics and its role in analyzing the speech of proverbs as one of the types of discourse that bears different aspects of meaning and that may need high mental abilities to determine the realistic connotations in it through the context and temporal and spatial factors surrounding the public discourse. It is certain that the discourse is affected by the surrounding circumstances and derives its realistic connotations through the factors surrounding it, such as: psychological, social and cultural factors. Therefore, its connotations may change with changing circumstances surrounding it. Therefore, and in order to analyze the discourse, one can use the linguistic theories and phenomena such as intertextuality, deconstruction, deliberation and interpretation. This is what many researchers and those interested in text and discourse have adopted. But to study the speech of proverbs, especially in the spoken language, he may need a mechanism more than that to determine the real and true meaning of it. Since the proverb is a kind of metaphor and metaphor and carries with it the symbol and the sign, then it must be studied under the frameworks and theories of the science of sign or semiotics in general. And take advantage of the data of this science and apply them to the speech of proverbs, with the aforementioned tools of analysis.

الخلاصة :

تعد اللغة واحدة من أهم عوامل التواصل البشري منذ أقدم العصور وحتى وقتنا الحاضر . وقد نالت أهمية خاصة في الدراسات والتحقيق . ونلاحظ إن أكثر العلماء والفلاسفة الغربيين والشرقيين قد اهتموا بعلم المنطق والكلام ، لذا ارتبطت أسمائهم ببعض أنواع العلوم اللغوية ، ومنهم : أرسطو ، سقراط ، أفلاطون ، الرازي ، الفارابي ، ... وغيرهم . ومن ذلك فان (الإشارة) كانت واحدة من اهتمامات العلماء واللغويين ، وقد خلفوا الكثير من المؤلفات والآثار حول هذا الموضوع . لكن موضوع الإشارة ومع بدايات القرن الماضي قد أخذ أهمية وأبعاد أخرى وأصبح نقطة انعطاف في جميع الميادين الاجتماعية (أدبية ولغوية وسياسية ونفسية ، ...) . حتى أصبح علماً سمي باسم (علم الإشارة) . لتكون اللغة تحت ظلاله ، ويتناول جميع جوانب الحياة الاجتماعية . مع بدايات النصف الثاني من القرن الماضي حازت الدراسات السيميائية وعلاقتها بالنص والخطاب على اهتمام الدارسين والباحثين والمهتمين بالدراسات اللغوية . فكان الخطاب على اختلاف أشكاله وأنواعه : السياسي والديني والأدبي والإعلامي وغيرها من الخطابات

الأخرى هي المحور الأساسي التي تركز عليه هذه الدراسات . من هنا جاء اهتمامنا بالسيميائية ودورها في تحليل خطاب الأمثال كأحد أنواع الخطاب التي تحتل أوجه مختلفة للمعنى والتي قد تحتاج إلى قدرات ذهنية عالية لتحديد الدلالات الواقعية فيه من خلال السياق والعوامل الزمانية والمكانية المحيطة بالخطاب العام . ومن الثابت إن الخطاب يتأثر بالظروف المحيطة ويستمد دلالاته الواقعية من خلال العوامل المحيطة به، مثل : العوامل النفسية والاجتماعية والثقافية . لذا فإن دلالاته قد تتغير مع تغيير الظروف المحيطة به. على ذلك ولأجل تحليل الخطاب يمكن الاستعانة بالنظريات والظواهر اللغوية كالتناص والتفكيك والتداولية والتأويل . وهذا ما اعتمده الكثير من الباحثين والمهتمين بالنص والخطاب . ولكن لدراسة خطاب الأمثال وخاصة في اللغة المنطوقة قد يحتاج إلى آلية أكثر من ذلك لتحديد المعنى الواقعي والحقيقي له . وبما أن المثل هو نوع من أنواع الاستعارة والمجاز ويحمل في طياته الرمز والإشارة ، إذا لا بد من دراسته تحت أطر ونظريات علم الإشارة أو السيميائية بشكل عام . والاستفادة من معطيات هذا العلم و تطبيقها على خطاب الأمثال، مع أدوات التحليل سابقة الذكر.

نقش نشانه شناسی در فهم دلالت ضرب المثل ها

به راهنمایي : ا.د غازی لعیبي شویل

دانشگاه بغداد – دانشکده زبان

ا.م ایاد محمد حسین

دانشگاه بغداد – دانشکده زبان

چکیده :

زبان یکی از مهمترین عوامل ارتباط بشریت از دوره های پیشین تا عصر حاضر به شمار می رود؛ و اهمیت فوق العاده ای در بررسی ها و تحقیقات صورت گرفته پیرامون آن کسب کرده است، لذا شاهد اهتمام ویژه بیشتر دانشمندان و فیلسوفان غرب و شرق به علوم منطق و حدیث هستیم، و افرادی مانند : ارسطو تالیس ، سقراط، افلاطون ، افلوپین و غیره با برخی گونه های علوم زبانی ارتباط داشته اند . بعد از اسلام به ویژه در دوره عباسی نهضت ادبی و علمی به اوج رسید . و حوزه زبانی بخش بزرگی از این نهضت علمی را در بر گرفته بود ، و این مسأله به حدی بود که بیشتر دانشمندان عربی و اسلامی در علوم طبیعی ، شیمی ، پزشکی و غیره مانند رازی، فارابی ، ابن سینا و ... آثار و تألیفاتی در علوم زبانی نیز داشتند . «نشانه ها» در این بین یکی از مسائل مورد توجه دانشمندان بود ، و آثار قابل توجهی در خصوص آن نوشته اند . ولی موضوع نشانه با آغاز قرن گذشته اهمیت و بُعد های دیگری



به خود گرفت؛ تا آنجا که نقطه عطفی در همه زمینه‌های اجتماعی، ادبی، زبانی، سیاسی، روانی و ... به‌شمار می‌رود. و دانشی به‌وجود آمد که «نشانه‌شناسی» نامیده می‌شود. حتی زبان نیز تحت تأثیر این دانش قرار گرفت و تمام جوانب زندگی جامعه را در بر گرفت.

پیشگفتار:

بشریت از قدیمترین زمان به دانشهای و علوم مختلفی توجه داشت، تا می‌توانند به پرسشها پیرامون اسباب خلق و علت وجود جواب دادند، که این پرسشها از مهمترین پرسشهای عقل بشر به آن تحیر دارند، برای اینکه آنها را از موضوعات غیبی و ماورایی یعنی محسوسی نیستند، که ادراک آنها از راه عقل و منطق شود. لذا توجه مفکران و روشنفکران و فلاسفه به علوم بلاغی و منطق و کلام بیشتر از علوم دیگری داشتند. از این نام‌ها زیادی در میدان فنون ادبی و علوم کلام مختلفی برجسته اند. در همین وقت علوم بلاغت و کلام گوناگونی شده اند، اما ضرب المثل و حکمت که از موضوعاتی مهمی در این زمینه می‌شمارند. و اهمیت مثل و حکمت، از کاربردی آن در کلام روزمره و نوشتاری در طول زمان می‌آید. نیز آن را یکی از وسایل مهمی در ایصال معنی و مفهوم در فرایندهای ارتباط کلام بین گوینده و شنونده یا فرستنده و گیرنده ویا نویسنده و خواننده به حساب می‌آید؛ و نقش فعال سازی در ادامه آن ارتباط دارد.

چنانچه ضرب المثل و حتی حکمت از مجاز و تشبیه و استعاره در ارسال مثل مورد استفاده کرده است. و این تمثیل در قالب جمله کوتاهی گذاشته اند، که معنی و مفهوم کامل باید در این جمله می‌باشد. گاهی این معنی روشنی برای گیرنده می‌باشد و در موارد و جایگاهی دیگر در بطون نشانه‌های دلالی می‌باشد. به عبارت دیگر از ممکن معنی و مفهوم ظاهر کلمات و واژه‌های مثل در زجیر گفتاری همنشینی مختلفی از معنا و مفهوم اصلی مرسل مثل که در زیر این واژه‌ها گذاشته است، در اینجا حتما دستگیری معنای حقیقی یکی از فرایندهای سختی می‌باشد و به قدرات عقلی و ذهنی مناسب احتیاج دارد. بلکه دانش‌ها مانند زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، و روان‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی، ... و غیره از علوم دیگر که به علوم کلام یا گفتار و روابط اجتماعی تعلق دارند؛ می‌توانند طول مناسب برای این مشکل فراهم آورند.

ضرب‌المثل در لغت و اصطلاح:

واژه (مثل) یا (ضرب‌المثل) از واژه‌های است که در قاموس عربی وجود داشته و بر اساس تداخل زبانی معروف بین دو زبان عربی و فارسی، به زبان فارسی راه یافته و کار برد



یافته است . بنابراین باید معنای این واژه را بر اساس زبان و فرهنگ‌های عربی و فارسی تعریف نماییم؛ سپس به این مسأله بپردازیم که این واژه چطور و با چه معنایی در زبان فارسی کار یافته است؟

نخست: ضرب‌المثل در لغت :

در القاموس المحيط فیروز آبادی ، واژه (مثل) با معانی مختلفی وارد شده است : " والمِثْلُ ، محرّكة: الحجةُ والحديثُ، وقد مَثَّلَ به تَمَثِلاً وامتثلَه وتمثَّلَه، وبه، والصفةُ، ومنه: (مَثَلُ الجَنَّةِ التي). وامتثلَ عندهم مَثَلاً حَسَناً وتمثَّلَ : أنشدَ بيناً ثم آخَرَ ثم آخَرَ ، وهي الأمثلةُ . وتمثَّلَ بالشيءِ : ضربَه مَثَلاً . والمِثَالُ : المقدارُ ، والقصاصُ ، وصِفَةُ الشيءِ ، ... " (١).

نیز همان معنی و معانی دیگری ابن منظور در فرهنگ (لسان العرب) تضمین شده است ، که گفته است: " * مثل * مِثْلٌ : كَلِمَةٌ تَسْوِيَةٌ . يُقَالُ : هَذَا مِثْلُهُ وَمِثْلُهُ ، كَمَا يُقَالُ شِبْهُهُ وَشَبَّهَهُ بِمَعْنَى ؛ ... والمِثْلُ : الشَّيْءُ الَّذِي يُضْرَبُ لِشَيْءٍ مَثَلاً فَيَجْعَلُ مِثْلَهُ ، وَفِي الصَّحَاحِ : مَا يُضْرَبُ بِهِ مِنَ الْأَمْثَالِ ، قَالَ الْجَوْهَرِيُّ : وَمِثْلُ الشَّيْءِ أَيْضاً صِفَتُهُ . قَالَ ابْنُ سَيِّدَةَ : وَقَوْلُهُ عَزَّ مِنْ قَائِلِ : (مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ) * ؛ ... " (٢).

بطرس البستانی در قاموس محیط المحيط نیز گفته است : " ... والمِثْلُ لغة في المِثْلُ للشبه والنظير والصفة ج أمثال . و منه في سورة الرعد مَثَلُ الْجَنَّةِ التي وعد المتقون أي صفة الجنة . والمِثْلُ ايضاً الحجة . يقال أقام له مثلاً أي حجة والحديث . يقال بسط له مثلاً أي حديثاً . والقول السائر أي الفاشي الممثل بمضربه (أي الحالة المشبه بها التي أريدت بالكلام) وبمورده (أي الحالة الأصلية التي ورد فيها الكلام) وألفاظ الأمثال لا تغيّر تذكيراً وتأنيناً وإفراداً وتثنيةً وجمعاً بل يُنظر فيها دائماً الى مورد المِثْلُ أي أصله لان الأمثال لا تُغيّر عن مواردها " (٣)

اما دهخدا در لغت‌نامه خود معنای واژه (مثل) را به‌طور مجزا از واژه (ضرب) آورده است که واژه مثل به معنای : " مثل . مانند. شبه ، نظیر و مانند است. قوله تعالى : ليس كمثلته شيء؛ أي ليس كصفة تعريفه شيء و گفته اند مثل بر سه وجه استعمال می‌شود: به معنی تشبیه و به معنی نفس شی و ذات آن و به معنی زائده است . و مذکر و مؤنث و تثنيه و جمع در آن مساوی می‌باشد و گویند هو و هی و هما و هم و هن مثله . " (٤) . اما واژه (ضرب) به معنای : " ضرب . مانند . مثل . همتا . نوع . قسم . صنف . گونه . ضروب ، اضراب : نهاد کوه بر دو ضرب است یکی کوه اصلی است ... دیگر شاخ‌های کوه است . (حدود العالم) " (٥).



دکتر محمد معین در فرهنگ لغت خود معنای مثل به این صورت ذکر شده است: "مثل masal ۱- مانند ، نظیر . ۲- داستان ، قصه ، حکایت ، افسانه . ۳- داستانی واقعی یا افسانه‌ای (که در میان مردم شهرت یافته و آنرا برای توضیح مطلب و مقصود خود به نثر یا نظم حکایت کنند ۴- عبرت . ۵- پند ، اندرز مثل زدن masal zadan ۱- مطلبی را به‌عنوان مثل نقل کردن ، مثل آوردن . ۲- چیزی را به صفتی شناختن عموماً . " (۶) بنابراین این " ضرب‌المثل zarb-ol-masal مثل زدن ، مثل آوردن " (۷).

بنابر آنچه بیان شد، شاهد آن هستیم که به حکم تأثیر و تأثر بین دو زبان عربی و فارسی واژه‌ها و اصطلاحات عربی بسیاری وارد زبان و قاموس فارسی شده است . اما ورود این واژه‌ها نه فقط از جهت شکل و صورت یا رسم حروف بود؛ بلکه دلالت این واژه‌ها نیز در عربی همان کاربرد را دارد . بنابراین ، واژه «مثل» یا «ضرب‌المثل» که از زبان عربی گرفته شده، وبا همین معانی مختلف در زبان فارسی استعمال دارد .

دوم : ضرب‌المثل در اصطلاح

مثل گونه‌ای از انواع ادبی است و در بیشتر فرهنگ‌های جهان، حاوی پند و عبرت و نتیجه تجربه‌های شخصی و خلاصه افکار و نظرات علما و دانشمندان است ، چون ادباء و اندیشمندان مثل را با مفاهیم و تعاریف مختلفی می‌دانند که " در اصطلاح ادبا مثل نوع خاص است که آن را به فارسی « داستان » و گاهی به تخفیف «دستان» می‌گویند " (۸).

اما منظور برخی از اندیشمندان و ادبای عرب دیگر این است که مثل در هر زبان عبارت است از فرهنگ جوامع که در قالب لفظی کوتاه گذاشته‌اند . همزمان ضرب‌المثل را آینه فرهنگ یک جامعه می‌شمارند (۹).

ابراهیم النظام ، ویژگی‌های مثل را اینگونه تشخیص داده است : در مثل ، چهار صفت با هم وجود دارد : ۱- مختصر بیان ، ۲- تحقق معنا . ۳- تشبیه خوب . ۴- کنایه‌ای خوب ، این نهایت بلاغت است (۱۰). از سویی دیگر دکتر محمد بازی استاد زبان معاصر به نقل از عبد القاهر جرجانی گفته است : (استعاره خوب، در کاربرد بلیغ‌تر است زیرا تعداد بیشتری معنی دارد؛ در مقابل لفظ کمی دارد). (۱۱) استاد ادب و زبان فارسی دهخدا مثل را یکی از انواع ادبی می‌شمارد ، و می‌گوید : "پدرهای ما ، مثل را یکی از اقسام بیست و چهارگانه ادب شمرده و مثل دیگر قسمت‌ها به آن اهمیت می‌داده‌اند" (۱۲) . در ادامه می‌گوید: " پدران ما کمتر فکری است که نکرده‌اند و کمتر اندیشیده‌ای است که در عبارتی کوتاه و رسا در دسترس همه نگذاشته‌اند" (۱۳) . اصل مثل در منظور دهخدا ؛ تشبیه است بلکه بین آنها فرق وجود دارد

دور السیمیائیة فی فهم دلالة الأمثال

و می‌گوید: " اگر در تشبیه علاقه شباهت چون میان دو جمله باشد آن را تمثیل گویند . و چون تشبیه مزبور پرکاربرد و شایع بود ، آن را مَثَل خوانند " (۱۴).

دکتر عبد الحسین زرین کوب به هنگام توضیح اصول قصه‌های تمثیلی در ادبیات فارسی می‌گوید: " در این گونه قصه‌های تمثیلی چنان می‌نماید که آورنده تمثیل از حالت و وضعی که حقیقت آن معلوم نیست تصویری شبیه ، در بین اقوال و ضرب‌المثل‌های رایج می‌یابد یا از خود ابداع می‌کند ، تا آنچه را مجهول است از تصویری که حقیقت و پایان حال آن معلوم است برای مخاطب قابل تصور نماید . اینکه آن را به الفاظی چون مثل و مثال تعبیر می‌کنند از همینجاست " (۱۵). بنابر این گفته دکتر زرین کوب نشان‌دهنده پیوند ادبیات قصه‌های تمثیلی با مثل است هرچند حقیقت و منشأ امثال معلوم نیست .

دکتر حسن ذو الفقاری ، رابطه بین مثل و تمثیل را توضیح می‌دهد که " مَثَل در معنی تشبیه چیزی به چیزی دیگر است و با معنی مصطلح آن رابطه نزدیکی دارد و می‌توان آن را معادل تمثیل گرفت . تمثیل خود از انواع تشبیه است . چنان که تشبیه را بر تمثیل و غیر تمثیل تقسیم کرده‌اند . " (۱۶) می‌توان گفت وجه شبه در مثل آشکار نیست؛ اما در تمثیل وجه شبه آشکار است . پس تمایزی بین مثل و تمثیل ممکن است وجود داشته باشد که برای تمایز بین آنها دکتر ذو الفقاری می‌گوید: " هرگاه گوینده به حیوانات و نباتات و حتی جمادات ، شخصیت انسانی بخشد که وقوع آن در بیرون غیر قابل تصور و امکان ناپذیر باشد ، امثال است ولی در تمثیل موضوع سخن ، افراد انسانی است و گوینده از عامل انسانی مثال می‌آورد چنان که حقیقی و قابل وقوع و فرض حدوث آن ممکن باشد " (۱۷).

در نظر شمیسا می‌توان به هر اثری که به شیوه تمثیلی نوشته شده ، ادب تمثیلی اطلاق کرد . ولی تمثیل نوع ادبی نیست بلکه شیوه است . و به دو نوع تقسیم می‌شود : ۱- تمثیل تاریخی و سیاسی Historical And Political Allegory ۲- تمثیل آرا و عقاید Allegory Of Ideas که می‌توان این دو نوع در یک اثر نگاه کنیم. و مد نظر داشت که تمثیل ممکن است در برخی قسمت‌های اثری به کار رود که آنرا تمثیل ضمنی Episodic Allegory می‌نامند . مانند آن ، فابل Fable است که یک داستان کوتاهی است و با شیوه تمثیلی نوشته می‌شود . در این نوع، مؤلف یک اصل اخلاقی یا رفتاری تضمین می‌کند ، در پایان آن راوی یا یکی از قهرمانان آن اصل اخلاقی را در یکی دو جمله کوتاه پر معنای نکته دار که جنبه ارسال مثلی دارند بیان می‌کند . از دیگر انواع تمثیل (پارابل Parable و اگزمپلوم Exemplum *) می‌باشد. (۱۸)



برخی از اساتید زبان و ادبیات فارسی دیگر معتقدند که " مثل جمله‌ای کوتاه است ، گاه آهنگین ، مشتمل بر تشبیه با مضمون حکیمانه است که به واسطه روانی الفاظ و روشنی معنا و لطافت ترکیب ، بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در گفتار خود به کار می‌برند " (۱۹) و این را بخشی از ادبیات عامیانه می‌شمارند ؛ چون مطالعه مثل یا ضرب‌المثل ، قصه‌ها و افسانه‌ها یکی از امور مهم برای مطالعه فرهنگ جوامع است . به عبارت دیگر از عوامل درک فرهنگ یک جامعه ، مطالعه ادبیات عامیانه آن است . نیز گفته‌اند " ضرب‌المثل‌ها همانند آینه‌ای ، منعکس کننده اوضاع و احوال فکری ، فرهنگی و اجتماعی هر دوره و هر مکان است " (۲۰) . اما یکی از اسباب و علل ضرب‌المثل همان است که اهل بلاغت گفتند یعنی: (ارسال مثل را موجب آرایش و تقویت کلام و نیز نشانه قدرت گوینده دانسته‌اند) (۲۱) .

انواع ضرب‌المثل‌ها :

مثل‌ها به سه نوع تقسیم می‌شوند (۲۲) :

- ۱- مثل موجز سائر : این نوع دو گونه دارد ؛ یکی سنتی که به زبان عامیانه منتشر شده و به دستورهای نحوی توجهی ندارد. اما دیگری (نوشته‌ای) که توسط صاحبان اطلاعات عالی مانند شعرا و سخنگویان بیان شده باشد .
- ۲- مثل قیاسی : روایی یا وصفی برای توضیح یک اندیشه‌ای از راه تشبیه یا تمثیل است. و به آن تمثیل مرکب نیز می‌گویند .
- ۳- مثل خرافی (افسانه‌ای) : این مثل عبارت از یک حکایت است که بر زبان غیر انسان می‌سرایند و هدفش آموزشی یا طنزی است .

از همه آنچه بیان شد نتیجه می‌گیریم ، علی‌رغم اختلاف فرهنگ‌ها و اطلاعات ملل مختلف مثل یا ضرب‌المثل میان بیشتر آنها رایج شده است ، تا آنجا که برخی از آنها آینه فرهنگ یک ملت یا جامعه شمرده شده است ؛ اما برخی دیگر از آن، یکی از امور مهمی که باید بر آنها تسلط دارند برای تقویت روش سخن و بلاغت و بیان سخنگویان به حساب می‌آید . واژه مثل در زبان عربی به معنای نظیر ، مانند و شبیه می‌آید ؛ این واژه با همین صورت و معنا در زبان فارسی به کار می‌رود . اصطلاح مثل ، ضرب‌المثل ، مثل زدن یا مثل آوردن ، یکی از روش‌های ادبی است بلکه از انواع ادبی محسوب نمی‌شود . آن جزئی از فرهنگ جوامع مختلف به حساب می‌آید و بیانگر بلاغت و اطلاعات مردم است . مثل عبارت است از یکی دو عبارت یا جمله کوتاه یا بیت شعری ؛ پر از حکمت یا عبرت برگرفته از



اندیشه‌های فلسفی ، فکری یا تجربه‌های شخصی است که بر زبان‌های مردم منتقل شده و بین افراد یک جامعه منتشر گردیده است .

ضرب‌المثل از نگاه فلسفی و روان شناسی

همانگونه که قبلاً گفتیم مثل بخش مهمی در علم کلام را به خود اختصاص می‌دهد و هر دانشجو برای درک آن ، به اطلاعات عمیق و فرهنگ وسیعی احتیاج دارد . همچنین ما می‌دانیم که زبان از مهمترین وسایل ارتباط بشری است؛ لذا فلاسفه و منطق دانان ، به زبان اهمیت زیادی می‌دادند تا می‌توانند از مفاهیم فلسفی خود درباره هر چیزی در وجود تعبیر می‌کنند . صرفاً هر اثر فنی یا ادبی مبتنی بر یک مفهوم فلسفی یا حکمی است که از فکر و اندیشه صاحب اثر ناشی می‌گردد . از این رو ممکن است مثل یا حکمت از طریق یک اثر ادبی (نظم یا نثر) یا تجربه‌های شخصی به دست می‌گیریم . به معنا دیگر مثل با فکر فلسفی و روان شناسی ارتباط مستقیم دارد .

نخست ضرب‌المثل از نگاه فلسفی

زبان در زمینه فلسفی همان حوزه‌های معرفتی دیگر که فلسفه زبانی و فلسفه تحلیلی دارد ، " فلسفه زبانی رویکردی فلسفی است که وضوح و شفافیت بخشی به الفاظ زبان را تنها راه حل مسائل پیچیده فلسفی می‌داند و فلسفه تحلیلی عمدتاً با استفاده از شیوه تحلیل منطقی سعی در تجزیه و تحلیل مؤلفه‌ها و گزاره‌های اندیشه و زبان دارد " (۲۳) .

بنابراین ارسطو در کتاب خود (الخطابه = گفتمانی) ، مثل و مثال و انواع وی را توضیح کرده بود : و تمثیل را از عوامل مهمی کلام برای سخن‌گویان می‌شمارد ، که تمثیل (تشبیه) می‌توان یکی از براهین قطعی در سخن می‌باشد (۲۴) .

استدلالی از طریق مثال نزد ارسطو ، بی شک جایگاه مناسب برای تفکر در روابط میان روایت و برهان است . ارسطو مثال *exemplum* را یکی از انواع استدلال بلاغی تشخیص کرد ، که گوینده برای تولید اعتقادات بکار برده است ، که او (رابطه جزو به جزو و شبیه به شبیه ، در وقتی که تحت یک جنس همراه باشند ولی یکی از دیگری معروفتر است) ؛ و مثال استدلالی از راه تشبیه است ، ولی تشبیه به افعال نه به اشیا نگاه می‌کند (۲۵) . از منظور ارسطو که استعاره یکی از اقسام مجاز است ، اما تعریف کلی خود مجاز را (استعمال نام چیزی برای چیزی دیگر) می‌داند و اعتقاد داشت که این استعمال و انتقال با چهار روش کلی صورت می‌گیرد : ۱ - از جنس به نوع ۲ - از نوع به جنس ۳ - از نوع به نوع ۴ - بر اساس تمثیل (۲۶) .



فلاسفه بر تمثیل که یکی از ابزارهای استدلالی، اصطلاح (استدلال مماثله) می‌نامند رغم از، استدلال نزد ارسطو شحنة‌های منطقی و شکلی می‌برد. شایان ذکر است که استدلال را ضمن مباحث بلاغی نزد دانشمندان زبان عرب پیشین مندرج می‌کند مخصوصاً معانی و بیان است، چون در آن فرایندهای ذهنی استنباطی ندارد، بلکه نیز (عملیة گفتمانی) است که بر موجب آن یک نشانه مادی یا معنوی می‌گیرد، و به‌عنوان شاهد و مثل بر شیئی یا صفت از صفات خود می‌باشد. لذا استدلال از زمینة تشبیه و استعارت بیرون نشد یا به‌طور عمومی از زمینة مجاز است^(۲۷).

صرفاً، مثل و حکمت بیانگر یک اصل اخلاقی است؛ چون مثل در توجهات و زمینة مثل افلاطون دخالت می‌کند. شکی نیست که فلسفه یونانی مخصوصاً فکر و اندیشه‌های فلسفی افلاطون به حکمت و نظریة مثل توجه داشت، حتی نظریة مثل سر آغاز همه فلسفه افلاطون بود. افلاطون معتقد است که "معرفت مثل را در حیطة اقتدار عقل گذاشت"^(۲۸) معانی کلی در عقل و ذهن انسان، ازلی است "بلکه او به توجیه این مطلب به افسانه دیگری که آن را (افسانة تذکر) نام نهاده‌اند می‌پردازد"^(۲۹). از این ضرب‌المثل در سخن و مجادله از نشانه‌های معرفت و اطلاع سخنگویان در هر زمینة معرفت می‌شمارد. سقراط که تحت تأثیر دو گونه گرایش متقابل و متضاد بود، درباره معرفت و فضیلت در زندگی گفت: "باید برای سلوک آدمی نظام‌های ثابت و حکمتی در زندگی، متکی به معرفت و فکر، وجود داشته باشد، زیرا فضیلت مستلزم معرفت است، بلکه فضیلت چیزی جز معرفت نیست. وقوانین اخلاقی از نوع قوانین ساختگی نیست، بلکه معنی وجوه آن قوانین از طبیعت اجتماعی گرفته شده است"^(۳۰). از این رو می‌توان گفت که طبیعت اجتماعی پایه قوانین اخلاقی است.

ابو بکر رازی در مقدمه کتاب خود (امثال و حکم) گفته است: "هذا مختصر جمعته فیہ ما تفرق من الأبیات المفردة وأنصاف الأبیات التي مازال الفضلاء يتمثلون بها في مكاتباتهم ومخاطباتهم... من الحكم الدينية والدنيوية و جوامع الكلم العقلية والنقلية حتى صارت أمثالاً سائرة ونجوماً في أفلاك البلاغة دائرة و ألفتها الأسماع..."^(۳۱). خلاصه این، رازی مثل را بخشی مهمی از لغت و بلاغت کلام می‌شمارد.

جاحظ ادیب معروف عرب در مورد تقسیم بند انواع دلالت از منظور فلسفی، دو نظر مختلف قائلند، یکی نظام زبانی است، و دیگری نظام فلسفی و مجازی که درباره اصطلاحات رمزی توضیح می‌دهد. از نمونه‌های دلالات که او ذکر کرده است^(۳۲):



- ۱- لفظ یا واژه : نشانه زبانی که از دال ومدلول تشکیل می‌شود .
- ۲- نشانه : که درباره اهمیت نشانه در زبان عربی گفت " الإشارة واللفظ شریکان ، ونعم العون هی له ، ونعم الترجمان هی عنه ، وما أكثر ما تتوب عن اللفظ وما تغني عن الخط " (۳۳)
- ۳- عقد : دلالت نظری و منشأ وی ذهن ، و صورتش منطوق ، و غایت و هدفش اقناع مطلق است .

از این رو ، دلالت ، صور و اشکال مختلفی می‌گیرد . از نمونه‌های دلالت ، ممکن است در یک واژه یا لفظ ، نشانه و تصور ذهنی و هر چیز دیگری که دارای دلالت یا معنا و مفهوم می‌باشد . این نگاهی فلسفی شامل همه گونه‌های دلالت موجود در مجاز و اجزای خود استعاره ، اصطلاح و ضرب‌المثل ... و غیره است . لذا ارسال مثل حتما از ذهن و عقل فلسفی صادر می‌کند و برای درک معانی تحت اللفظی مثل ، باید فراهم آوردن و حضور توانائی و قدرات فلسفی و منطقی پیش گیرنده یا مخاطب باشد .

دوم : ضرب‌المثل از نگاه روان شناسی

رفتار از موارد بررسی روان شناسی برشمارد ، از این روان شناسی انسان ، علمی است که از رفتار انسان بحث می‌کند ، به عبارت دیگر تمام فعالیت‌های انسان را در روان شناسی به اسم رفتار (behavior) می‌گویند . اما رفتار انسان می‌توان به دو گونه تقسیم می‌شود (۳۴) :

- ۱- رفتار حرکتی (motor behaviour) : که یک دسته از فعالیت‌های انسان ظاهری هستند و نمود عضلانی دارند ، مانند راه رفتن ، خوردن و غیره .
- ۲- رفتار ذهنی : در این دسته از فعالیت‌های انسان نمود خارجی ندارند و بیشتر مستلزم فعالیت مغز هستند ، مانند تفکر و استدلال است .

می‌توان گفت که روان شناسی در بیشتر علوم انسانی مخصوصا ادبیات معاصر جایگاه ویژه‌ای دارد ، که نظریه ذهن و رشد روان انسان می‌پردازد . و از روان شناسی برای شرح بن مایه‌های اثر ، رموز نمادین و روابط بین شخصیت‌ها قابل استفاده می‌کند . از میان نام‌های مشهور در این زمینه ، زیگموند فروید که پدر روان شناسی نو می‌شمرد و بر جنبه‌های ناهشیار ذهن انسان تأکید می‌کند (۳۵) . اما یکی از انواع وی روان شناسی زبان * ، که در عصر حاضر از موضوعات اصلی در حوزه روان شناسی شناختی می‌شمارد . و " می‌کوشد عوامل روانشناسی ، درکی و شناختی را که در یادگیری ، رشد و استفاده از زبان در کارند مشخص نماید . به منظور پیگیری تمایل پژوهش‌ها به سمت عوامل روانشناختی ، ضروری



است با تحلیل صوری زبان که به وسیله زبانشناسان ارائه شده است آشنائی مختصری داشته باشیم^(۳۶). فروید در تفسیر برخی از ظواهر طبیعی است مانند رؤیا " به سمبل پردازی و جابه جایی (displacement) و ادغام (condensation) تکیه داشت که به پدیده‌های ادبی شبیه هستند . در جابه جایی به جای چیزی ، چیز دیگر نمایان می‌شود که به ظاهر ربطی به آن ندارد و در ادغام چند معنا در یک تصویر یا واژه جمع می‌شود " ^(۳۷).

روان شناس روس لوریا (۱۹۸۲) در کتاب زبان و شناخت می‌گوید : (انگیزه کلام، یا نیاز به ارتباط اجتماعی است و یا یک نوع فعالیت عقلانی و یا تمایل فرد به تنظیم یا سازماندهی فرایندهای ذهنی خود) . وی اعتقاد داشت که می‌توان این انگیزه‌ها در هر بیان گفتاری پنهان شده باشد . اما تعداد این انگیزه‌ها مهم نیست بلکه وجود رابطه‌ای بین یک انگیزه (یک عمل ذهنی) و کلام مهمی است ^(۳۸).

در دهه اخیر محققان و پژوهشگران توجه بسیاری به مطالعه زبان مجازی داشته‌اند که آنرا بخشی از مطالعه علمی زبان می‌شمارند ، چون بررسی خودشان در زمینه استعاره ، اصطلاح ، ضرب‌المثل و ... بود . این صنایع ادبی با یکدیگر متفاوتند ، بلکه همه آنها ویژگی مشترک دارند ؛ به صورتی که در همه آنها معنایی مورد نظر عبارت (مستقل یا متفاوت) از معنای لغوی یا معنای عناصر وجود دارد که عبارت را تشکیل می‌دهد . برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که درک استعاره ، اصطلاح ، و ضرب‌المثل می‌تواند تحت تأثیر عواملی مانند بافتی که عبارت یا جمله در آن واقع می‌شود یا آشنایی ، دانش تاریخی و فرهنگی ؛ و عوامل مرتبط با خواندن قرار گیرد ^(۳۹).

بنابراین " زبان مجازی (Figurative Language) اصطلاحی مورد کاربرد برای عبارات زبانی مانند استعاره (Metaphor) ، اصطلاح (Idiom) و ضرب‌المثل (Proverb) است." ^(۴۰) از ویژگی‌های آن این است که نمی‌توان عبارتش را از راه دانستن معنای اجزای لغوی آنها درک کرد . بلکه باید مخاطب یا شنونده از معنای تحت الفظی فراتر رفته و به معنای مورد نظری که زبان مجازی را می‌سازد ، دست یابد . باید خاطر نشان کرد که ضرب‌المثل‌ها دارای عبارات آشنا و در قالب جمله‌اند که حقایق شناخته شده ، و معیارهای اجتماعی و اصل اخلاقی را بیان می‌کنند . اما اغلب امثال دارای استعاراتی هستند . نیز فرایندهای ادراک و فهم مثل ، شامل توانایی هایی چون پردازش کردن متن در حافظه کاری ، بازداری پاسخ ، انعطاف پذیری شناختی و تفکر انتزاعی است ، که هیچ اختلال در یکی از آنها ، اختلالی در درک معنای مجازی و انتزاعی منجر گردد ^(۴۱). می‌بینیم که زبان‌شناسی شناختی ، مثل را بخشی از

صنایع ادبی (مجازی) بر می‌شمرد ، بلکه " امتیاز ضرب‌المثل‌ها نسبت به سایر صنایع ادبی این است که اگر چه معانی مجازی و لغوی آنان به لحاظ کیفی متمایز از یکدیگرند ، معنای مجازی ضرب‌المثل از طریق دسترسی به معنای لغوی کلمات تشکیل دهنده آن ، بافت و سایر راهبردهای درک مطلب قابل استنباط است . ترکیبی از کلمات ملموس و نحو مشخص باعث می‌شود که صورت نسبتاً ثابت ضرب‌المثل بیشتر به یاد بماند . عواملی مانند آشنایی ، بافت ، پیچیدگی نحوی ، عینیت (ملموس بودن) و برجستگی (معنایی) درک ضرب‌المثل را تحت تأثیر قرار می‌دهند " (۴۲).

خلاصه آن ، محمد رضا باطنی در کتاب زبان و تفکر ، رابطه بین زبان‌شناسی و روان‌شناسی در چند سطر خلاصه کرده و می‌گوید : "... در انسان فعالیت‌های ذهنی بسیار مجردی وجود دارد که زبان به نحوی از انحا در اکتساب و پرورش آنها دخالت دارد . بنابر این زبان علاوه براین که خود نوعی رفتار است و روان‌شناسی مطالعه آن را در حوزه کار خود می‌داند ، مطالعه آن می‌تواند کلیدی برای گشودن اسرار فعالیت‌های عالی ذهن باشد" (۴۳).

مفاهیم اجتماعی در ضرب‌المثل‌ها

همانکه در مبحث قبلی نشان دادیم ؛ که مثل آینه فرهنگی هر جامعه است . ضرب‌المثل از روش‌های ادبی که پر از حکمت و تجربه‌های شخصی و به‌طور عمومی حاوی یک اصل اخلاقی است . از این سو مثل بین همه اقوام و ملل وجود دارد و در تمام ادبیات و فرهنگ‌های جهان هست ، هر ملتی ارسال مثل را طبق دستور زبانی و مناسب با ادبیات خود به کار می‌برد . " در انگلیسی واژه Proverb ، در آلمانی Sprichwort ، در عربی ضرب‌المثل ، مثل ، وامثال ، در یونانی Paroemia ، ژاپنی koto. Waza ، هندی lokokti ، ترکی Atalar. Sozu ، سوئدی Ordsprak ، اسپانیای Refrau ، مجارستانی Kozmondas و در گرجستان شرقی Qudos استفاده می‌شود " (۴۴). فرهنگ ملی نابع از داستان‌ها و رویدادهای تاریخی (سیاسی ، اجتماعی ، نظامی و ...) ، و تجارب شخصی در طول زمان است ؛ این مسأله بدون شک در آثار دانشمندان ، منطق دانان ، فلاسفه ، و ادبای هر ملت تأثیر دارد . فرهنگ دو بخش دارد ، یکی در آثار مکتوب و دومی شفاهی که بر زبان مردم منتقل می‌شود، اما ضرب‌المثل از بارزترین گونه‌های بخش دوم محسوب می‌شود . آن را در گفتار و سخنان مردم روزمره گوش می‌دهیم ، و متداولتر از انواع ادبیات شفاهی دیگر است . لذا برخی ادباء و اندیشمندان به‌نام آینه فرهنگ ملل دانسته‌اند .



در حال مطالعه فرهنگ هر ملت ، حتما افسانه‌ها ، داستان‌ها ، اشعار ، ترانه‌ها ، معماها و ضرب‌المثل‌ها در ذهن حضور می‌کنند . در ضرب‌المثل‌ها با توجه به آن که منعکس کننده آرا و شیوه نگرش ، حکمت تجربی مردم ، سبک زندگی ، مناسبات و دیگر مؤلفه‌های مردمان آن سرزمین می‌باشد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است . چون می‌توان گفت که دلیل بقای ضرب‌المثل‌ها در فرهنگ عمومی ، کارایی آنها در توصیف نظرات و تجارب مکرر افراد عضو آن فرهنگ باشد . به عبارت دیگر ضرب‌المثل به‌عنوان نمونه آرا و نگرش مردمان است (۴۵).

از این ضرب‌المثل از استعاره زبانی می‌سازد ، ویر از مفاهیم اخلاقی یا عبرت است . لذا می‌توان مفاهیم را به نام (استعاره‌های مفهومی) بنامیم . ضرب‌المثل در همه حوزه‌های زندگی هست ، مخصوصا در جنبه اجتماعی که با صورت روشنی در گفتار و کلام مردم ، نگاه می‌کنیم . حوزه‌های مفاهیم اجتماعی در ضرب‌المثل زیادی هست ، و نمی‌توان همه اش در بر می‌خوریم ، لذا مجموعه از آن انتخاب کردیم ، همان زیر است (۴۶) :

۱- **حوزه مبدأ ساختمان و بنا** : انسان بعد از تأمین غذا و پوشاک به مکانی برای زیستن نیاز دارد . این نیاز جزء لا ینفک زندگی بوده است ، چون می‌توان گفت که (خانه) تأثیر زیادی در شکل‌گیری ذهن بشر دارد و در بیان مفاهیم ذهنی مورد استفاده او قرار می‌گیرد ، مانند : « ظالم پای دیوار خود را می‌کند » در این مثل تجربه زیستی انسان بنا و ساختمان به بیان مفهوم نابودی ظالم در اثر عملش ، می‌پردازد . مثل دیگر با این مفهوم (ظالم همیشه خانه خراب است) . معانی دیگر هست ، مثلا ، برای تحمل مشکلات زندگی این مثل را ارسال کرده است (از این ستون به آن ستون فرج است).

۲- **حوزه مبدأ گیاهان** : حتما گیاهان در زندگی مردم دخالت دارند ، بلکه با شیوه‌های مختلفی است . گاهی غذای او را می‌سازند ، در محیط زندگی او دخالت دارند ، و مصالح ساختمانی بشر تأمین می‌کردند . انسان ، از گیاهان برای مبنای مفاهیم دیگر به‌طور استعاری مورد استفاده کرده بود ، مانند : (گندم از گندم بروید جو ز جو) در این مثل به مفهوم همجنس می‌رود . مثال دیگر (تا ریشه در آب است امید ثمری هست) ، در این به مفهوم استفاده از فرصت با کم امید است .

۳- **حوزه مبدأ حیوانات** : ارتباط نزدیکی و قدیمی بین انسان و حیوانات وجود دارد . انسان در امور مختلف زندگی خود ، مانند حمل و نقل ، کشاورزی ، غذایی ، جنگ ها ، لباس ها ، ... از حیوانات و اجزای بدن آنها مورد استفاده کرده است . در بسیار موارد حیوانات ابزاری برای





ایجاد شناخت در بشر قرار گرفته اند . از نمونه‌های امثال ، برای بیان صفتهای زشتی می‌گویند : مثل گاو غذا خوردن ، مثل الاغ (خر) زورمند بودن ، مثل سگ سروصدا کردن . برخی حیوانات دیگر مانند (شیر ، باز ، اسب ، ...) به صفات خوبی نشانه می‌دهند . برخی حیوانات برای بشر مقدس بودند ، مانند (گاو مقدس) یا در اعتقاد عوام دربارہ خروس وجود دارد . انسان از صفات حیوانات در تشبیه واستعاره خود زیاد استفاده کرده بود .

۴-حوزه مبدأ خانواده : خانواده کوچکترین واحد های اجتماعی است و یکی از مهمترین نهادهای بشر در جوامع انسانی به حساب می‌آید . که از راه روابط همخونی یا داشتن مکان مشترک زندگی به یکدیگر ارتباط داشتند . وهر چقدر جوامع سنتی تر باشد نهاد خانواده در آنها مستحکمتر باشد . معمولا خانواده مرکب از پدر ، مادر ، وفرزندان ودرشکل سنتی تر آن پدر بزرگ و مادر بزرگ بوده است، اما در جوامع مدرن امروزی با شکل دیگری وجود دارد . حتما در این نهاد اجتماعی ، کودکان را به روابط موجود بین افراد خانواده تأثیر پذیری دارد ، این تأثیر در رشد وپرورش انسان است . تمام مسایل مربوط به این روابط در فرایند فهم انسان اثر گذار باشد . از نمونه‌ها در این زمینه ؛ مانند : (وقتی مادر نباشد با زن پدر باید ساخت) ، (فرزند حلال زاده به خالو می کشد) ، (دایه مهربان تر از مادر) . از آن نگاه می‌کنیم ، که مفاهیم اجتماعی بین افراد خانواده در بطن این مثل‌ها پر شده است ، حتی برخی از آنها احتیاج به توضیح نداشتند .

۵-حوزه مبدأ اجزای طبیعت : طبیعت محل زیست و رشد انسان است و با ذهن و احساس او تعامل بسیار دارد . در طول زمان طبیعت الهام بخش بشر بوده است چه زمانی که انسان مقهور طبیعت بوده است . طبیعت بر ذهن و روان بشر تأثیر پذیری دارد ، این است در احساسات ورفتار و گفته‌های انسان روشن می‌گردد . استعاره‌های مفهومی در این حوزه از همه اجزای طبیعت می‌گیرد : موسیقی ، آوازا ، کوه‌ها ، باد ، رود ها ، دریا ها ، و... . همانند : (آب راه خودش را باز می‌کند) ، (آتش از باد تیزتر شود) ، (باد باران آورد بازیچه جنگ).

۶-حوزه مبدأ تاریخ و اتفاقات تاریخی : اطلاعات تاریخی یکی از منابع معرفت انسان است . که اندازه هر ملت از هویت تاریخ خود می‌گیرد . از این ، انسان هویت خود از گذشته فردی و اجتماعی به دست می‌گیرد . لذا تأثیر تاریخ در ذهن بشر از عوامل مهمی برای رسم شخصیت فرد می‌شمارد ، رویدادهای تاریخی مفاهیم اجتماعی مختلفی در ذهن وحافظه بشر فرا می‌آورد . حتما این امر شامل همه اتفاقیات وشخصیت‌های تاریخی است . مانند : (آب



دست یزید افتاده) ، (عاقبتش مثل عاقبت یزید شده است) در این دو مثل از شخصیت یزید برای عبرت استفاده کرده است . نیز قصه پیغمبر یوسف (ع) برای ارسال مثل به کار برده است (یك يوسف و صد خریدار) .

نقش نشانه‌شناسی در قرآن کریم :

قرآن کریم ، منبع تشریح اول پیش مسلمانان به حساب می‌آید ، و از مهمترین وقایع تاریخی پیشین و داستان‌های واقعی برای تشریح دستورهای تنظیم حیات بشریت استفاده کرده است . برخی از علمای اسلام گفتند که قرآن کریم حاوی همه حوادث پیشین ، حال و آینده‌ای است . ولی چطور این کتاب می‌تواند شامل همه آن باشد ؟. در پاسخ آن ، قرآن کریم نشانه و رمز را در ذکر بیشتر آنها به کار برده است . که واژه (آیه) در لغت به معنی (نشانه یا علامت) است ، این منظور در معنی آیه گفته است :

" والآية : العلامة ، وَرُزُّهَا فَعَلَّةٌ فِي قَوْلِ الْخَلِيلِ ، وَذَهَبَ غَيْرُهُ إِلَى أَنْ أَصْلَهَا آيَةٌ فَعَلَّةٌ فَقَلْبَتِ الْبَاءُ أَلْفًا لِأَفْتَا حِ مَا قَبْلَهَا ، وَهَذَا قَلْبٌ شَادٌّ كَمَا قَلْبُهَا فِي حَارِيٍّ وَطَائِيٍّ إِلَّا أَنْ ذَلِكَ قَلِيلٌ غَيْرٌ مَقِيسٍ عَلَيْهِ ، وَالْجَمْعُ آيَاتٌ وَآيٌ ، وَأَيَاءٌ جَمْعُ الْجَمْعِ نَادِرٌ ؛ قَالَ :

لم يُبْقِ هذا الدهرُ من آيائه غيرَ أثافيه وأرمدائه

وَأَصْلُ آيَةٍ أَوِيَّةٌ ، بفتح الواو ، و موضع العين واو ، والنسبة إليه أووى ؛ وقيل : أصلها فاعلة فذهبت منها اللام أو العين تخفيفاً ، ولو جاءت تامة لكانت آيية " (٤٧) . چون آیه به معنی نشانه یا علامت می‌آید . بنابر این الله جل جلاله فرمودند : ﴿ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴾ [فصلت : ٥٣] . نیز ﴿ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۗ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴾ [النمل : ١٢] . بنابر این پدیده‌های تأویل و تفسیر و اسباب نزول قرآنی بشكل گسترده ظهور کرده است ، ﴿ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴾ [سورة ص : ٢٩] .

می‌توان از نظریه‌های زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی نو در شرح و تحقیق متون آیات قرآنی استفاده کرد . و حتما مفاهیم جدیدی به دست می‌آید ، اینک یکی از اعجاز قرآنی برمی‌شماریم ، که مفاهیم قرآنی در طول زمان و هر مکان مناسب است . بنابر این نشانه‌های پیرس در متون و آیات قرآن کریم نیز وجود دارد، همان زیر :

١- نشانه نمادی در قرآن : همانگونه که در مباحث قبلی ذکر کردیم این نشانه وجه دال شباهتی به مدلول ندارد اما بر اساس یک قرار داد اختیاری به آن مرتبط شده است ، که زبان



را نمونه‌ای از آن است . یعنی تمام زبان قرآن این نماد یا نشانه را تمثیل می‌کند ، علاوه بر آیات مبارکه که به آن نشان داد ، همان در آیه قبلی (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ...) ، همانگونه می‌دانیم هر اسم عبارتند از نشانه یا نماد است ، که به چیزها واقعیتی عینی و ملموس یا غیر واقعیتی و ناملموس می‌بخشد. در تفسیر المیزان درباره تفسیر این آیه آمده است : " عن الفضیل بن العباس عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن قول الله : وعلم آدم الأسماء كلها، ما هي؟ قال: أسماء الأودية والنبات والشجر والجبال من الأرض . وفي التفسير أيضا عن داود بن سرحان العطار، قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فدعا بالخوان فتغدينا ثم دعا بالطست والدست سنانه فقلت: جعلت فداك، قوله: وعلم آدم الأسماء كلها، الطست والدست سنانه منه، فقال عليه السلام: الفجاج والأودية وأهوى بيده كذا وكذا." (۴۸) . نیز خدا فرمودند ﴿ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۖ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا زَمْزًا ۖ وَادُّكُرًا ۚ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴾ [آل عمران : ۴۱] ، در این آیه مبارکه واژه (آیه) به معنی نشانه آمده است ، پیامبر زکریا از خدا طلب کرد که یک آیه برای او بفرستد (رب اجعل لی آیه) . " فقله : قال رب اجعل لی آیه سؤال لآیه ممیزة " (۴۹) اما (ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا زَمْزًا) "... ثلاث لیل بآیامها وهو شائع فی الاستعمال فكان علیه السلام ینذکر الله بفنون الذکر ولا یقدر علی تکلیم الناس إلا رمزا وإشارة ، ... " (۵۰)

۲- نشانه شمایی در قرآن : در این گونه از نشانه‌ها تشخیص مدلول با نگاه کردن ، گوش دادن ، لمس کردن ، چشیدن یا بوئیدن چیزی شبیه آن انجام می‌شود . قصه‌های قرآنی بسیاری که این نشانه را به تصویر کشیده است . مانند :

- وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ [الاعراف : ۱۱۷]

- وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ ﴿ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ [طه : ۱۷-۱۸]

- فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۚ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ [الشعراء : ۶۳]

- رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۚ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ [آل عمران : ۱۴]

- وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ۗ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ [النحل : ۸]





از مثال‌های فوق واژه‌هایی مانند : (عصا ، غنم ، بحر ، ذهب ، فضه ، خیل ، بغال ، حمیر ، .. وغیره) است که همه آن نوعی شمایی است . یعنی همه چیزهای که از موجودات مادی می‌توان از نوع نشانه‌های شمایی به شمار آورد .

۳- نشان‌ه نمایه در قرآن : در این نوع نشانه‌ها به طور مستقیم (فیزیکی یا علی) به مدلول مرتبط است این ارتباط می‌تواند مشاهده یا استنتاج شود . نیز می‌توان این نشانه را درون داستان‌های قرآنی مشاهده کرد ، که نمونه‌های قرآنی در این نوع نشانه‌ای خیلی زیاد است . و برای درک معنا و مفهوم آن باید به چند وجه خوانده شود ، مانند :

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صِرَّةٍ فَاصْكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ [الذاریات : ۲۹]
فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَنْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرِكْهُ يَلْهَثْ ۚ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا ۚ [الأعراف : ۱۷۶]

- لَوْ أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمَلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا [الكهف : ۱۸]
وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ [النحل : ۵۸]
بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۱۰۶﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ [آل عمران : ۱۰۶ - ۱۰۷]

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمَآ نَصِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا [النساء : ۵۶]

در نتیجه آن می‌توان گفت که همه آیات قرآن کریم عبارت از نشانه‌ای است که ارتباط نشانه با قرآن از علامات بارز و روشن آن است . اما هدف این نشانه‌ها درون متون و آیات قرآنی برای دعوت کردن به یگانگی خداوند و ایمان به قدرت خالق هستی است ، زیرا در پس هر داستان یا قصه به یکی از عبارات مانند : (لآیات لقوم یفکرون) [الروم : ۲۱] ، (لآیه لقوم یعقلون) [النحل : ۶۷] ، (لآیات لقوم یعقلون) [الرعد : ۴] ختم می‌شود .

نگاه کلی به امثال قرآن کریم

قرآن برجسته‌ترین کتاب آسمانی به حساب می‌آید ، و مانند بلاغت و بیان قرآن مجید وجود ندارد ، بلکه قرآن به عنوان حجت و اعجاز برای همه بشریت آمده است ، و هیچ مقایسه میان متون قرآنی با زبان‌ها و کلام بشر نداشت . به نظر می‌رسد ، همه بلاغت و بیان در قرآن جمع شده است و بلاغت قرآن کریم به تمام و کمال رسید ، و احتیاج به سخنی درباره توانایی و قدرت بلاغی قرآن نداشت . بلکه ممکن است هر پژوهشگر و دانشجوی علوم بلاغی



و منطقی قرآن استفاده می‌کند . تا آنجاکه برخی از ادبا و اندیشمندان ذکر کردند که مقیاس قدرت بلاغی یک سخنرانی با حفظ و استشهاد آیات مبارکه و احادیث نبوی در گفتمان خود می‌باشد . قال تعالی : (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ) [سورة ص : ۲۹].

با نگاهی کمی به آیات و سوره قرآنی است ، می‌بینیم که بیشتر مضامین و احکام قرآن با صور تشبیهی و استعاره‌ای ایراد شده است . و پر از امثال و حکم است که رویدادها و قصه‌های مختلفی را نشان می‌دهد . قال تعالی : (وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) [الحشر : ۵۹] . شیوه بیانی قرآن ، سبب موفقیت و ماندگاری این کتاب می‌باشد ، می‌توان گفت که " کاربرد تمثیل به عنوان یکی از تمهیدات بنیادین در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است که در قالب مَثَل و قصه بیان می‌شود . در این کتاب آسمانی به کارگیری مَثَل و قصه برای بیان بهتر آموزه‌های اخلاقی و معنوی است . به عبارت دیگر ، هدف از کاربرد تمثیل در قرآن را باید تأثیر عمیق‌تر آموزه‌های این کتاب دانست تا هر کس با هر میزانی از درک و فهم ، آنها را دریابد و به کار گیرد" (۵۱) . شایان ذکر است که مَثَل‌های قرآنی متفاوت از مَثَل رایج بین مردم است ، به باور آیت الله سبحانی " مَثَل‌های قرآنی از مقوله مَثَل‌های مردمی نمی‌باشند؛ زیرا مَثَل‌های قرآنی جزو سخنان حکیمانه ای نیست که به مرور زمان رایج شده باشد . در واقع ، مَثَل‌های قرآنی تمثیل هستند و اساس آنها را تشبیه ، استعاره ، مجاز و کنایه تشکیل می‌دهد " (۵۲) .

واژه مَثَل و مشتقات آن در قرآن مجید (۱۶۹) مرتبه در (۱۴۸) آیه و در مجموع (۵۰) سوره از قرآن تکرار شده است ، واژه مَثَل در قرآن با پنج معنی آمده است ، که عبارتند از (۵۳) :

۱-حکایات تمثیلی : مانند (وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا) [الکهف : ۳۲] .

۲-به معنی (داستان‌های گذشته و تواریخ ایام گذشته) : به اعتبار آنکه محل تأمل و عبرت است .

۳-(شبیه) : همان در آیه (وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ) [الزخرف : ۱۷] .

۴- (صفت) : از جمله در آیه (لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوِّءِ ۗ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) [النحل : ۶۰] .



۵- (نمونه کامل) و (اسوه) : از جمله در آیه (إِنَّهُ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ) [الزخرف : ۵۹] .

- انواع مثل قرآنی :

انواع مثل قرآنی همان انواع مثل دیگری است یعنی (قیاسی و رایج) بلکه خرافی وجود ندارد . انواع مثل قرآنی از دیدگاه قرآن موارد زیر است (۵۴):

۱- **مثل پنهان:** (به مثل‌هایی گفته می‌شود که در قرآن به مثل بودن آنها اشاره‌ای نشده است و ویژگی‌های مثل‌های رایج در میان مردم نیز در آنها وجود ندارد [تشبیه] و تنها چون از نظر معنا و مفهوم شبیه مثل‌های رایج هستند، علما آنها را مثل نامیده‌اند در واقع این عبارات در معنا و نه در لفظ، مثل هستند). مثل قرآنی از دیدگاه زرکشی دو نوع است یکی (مصرح) که در قرآن صراحت اشاره کرده است ، مانند: (مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ) [البقره : ۱۷] ، و دیگر (کامن) که بر خلاف (مصرح) به مثل بودنش تصریح نشده و آن از دیدگاه زرکشی در حکم مثل‌های رایج است ، از جمله مثالی که سیوطی ایراد شده در مقابل (خیر الأمور أوسطها) : (قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ۚ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بُكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ ۖ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ) [البقره: ۶۸].

۲- **مثل‌های رایج قرآنی :** دسته‌ای از حکمت‌های قرآنی هستند که صفت مثل بودن را بعد از نزول قرآن به دست آورده‌اند و در وقت نزول قرآن مثل نبوده‌اند . این حکمت‌ها عبارتند از یک مجموعه اصول اخلاقی و دینی که مردم از آنها در کلام روزمره و نوشته‌ها و سخنرانی‌ها و اشعارشان استفاده می‌کنند و در میان نویسندگان جدید نام (مثل رایج) گرفته اند ، ولی پیشینیان براین حکمت‌ها نام (جاری مجری مثل) یا (مشابه) و (مقابل) مثل گذاشته‌اند این عبارات که موجز و زیبا در قرآن چه با نام (مثل‌های رایج) و چه با نام (مایجری مجری الأمثال) است، همان (مثل‌های کامن) هستند که قبلا گفته شد و ظاهرا مصادیق یکسان ، و نام‌های متفاوت دارند . پس در اینجا آنچه در مورد (مثل کامن) گفتیم ، در (مثل رایج) نیز صادق است .

۳- **مثل‌های قیاسی :** نام مثل‌های (ظاهره) و (مصرحه) نیز بر آن گذاشته اند ، پایه تمثیلی دارد و دانشمندان بلاغت آن را (تشبیه مرکب) یا (تمثیل) می‌نامند . مثل قیاسی از



تشبیه مرکب به مرکب با وجه شبه مرکب به دست می‌آید مثل‌های قیاسی به دو بخش تقسیم می‌شوند :

ا- مثل‌های قیاسی طبیعی : عبارت است از تشبیه غیر ملموس به ملموس و ذهنی به دیدنی به شرط اینکه مشبه به از امور تکوینی باشد . مشبه به در این گونه از مثل‌ها ، چیزهای یا پدیده‌های طبیعی است . مانند : (وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۗ وَالَّذِي خُبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا ۗ كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ) [اعراف : ۵۸] .

ب- مثل‌های قیاسی داستانی : این گونه از امثال به نام «داستان‌های تمثیلی» نیز معروف است و برای بیان احوال ملل گذشته و تشبیه آنها ، به قصد عبرت آموزی به کار می‌رود . مانند : (وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ) [النحل : ۱۱۲] ، (وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا) [الكهف : ۳۲] .
فوائد تمثیل قرآنی :

می‌توان از تمثیل قرآنی در موارد زیر استفاده کرد (۵۰) :

۱- باعث تذکر و یادآوری می‌شود : (وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۗ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولُنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ) [الروم : ۵۸]

۲- سبب تفکر و اندیشه می‌شود : (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) [الحشر : ۲۱]

۳- مثل‌هایی که موجب ادراک می‌شود : (وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۗ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ) [العنكبوت : ۴۳]

برخی پژوهشگران ، ضرب‌المثل‌های قرآنی را به‌عنوان آینه نفس انسانی تشبیه کرده‌اند ، که در آن منعکس کننده همه امور منفی و مثبت و زشتی‌ها و زیبایی‌های نفس بشری است ، و نمی‌توان این صورت که بیانگر حقیقت حال نفس و اشیا دیگری است را رد کرد . و نمی‌توان هیچ سرزنشی بر این آینه صادق که اظهار کننده قبح اشیا و زیبای آنها است داشت . همچنانکه هیچ عیبی در ضرب‌المثل نیست هر چند کوچک یا بزرگ، حقیر یا ارزشمند ، زیبا یا زشت باشد ، خداوند متعال فرموده است : (إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا ۗ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ



اللَّهُ بِهِدًا مَثَلًا ۖ يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا ۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ([البقره : ۲۶] ،
بلکه اگر این تمثیل حقیقتی را اظهار نداشت ، و تمثیل صورت واقعی ممثل له نقل نمی‌کرد
ایراد زیادی داشت ، خداوند فرمودند : (انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
سَبِيلًا) [الاسراء : ۴۸] ، [الفرقان : ۹] ^(۵۶) .

ضرب‌المثل ، خلاصه پیام های آسمانی است . و هر ملتی که پیام آسمانی و مثل را برای آن
نمی‌فرستد ، حتما عذاب نمی‌گردند . (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا) [اسراء : ۱۵] .
می‌توان گفت ، بی توجهی به امثال و داستان های قرآنی ، اعراضی از پیام های آسمانی است .
اما توجه به آن به معنای ایمان و عبرت آمیزی است . که از طریق بحث و بررسی امثال
می‌توان چیزها را ببینیم که از ظاهرشان نمی‌بینیم . از این رو پیامبر اسلام (ص) فرمودند که
قرآن پنج وجه دارد : (إن القرآن نزل على خمسة أوجه : حلال ، وحرام ، ومحكم ، ومتشابه ،
وأمثال ، فاعملوا بالحلال واجتنبوا الحرام ، واتبعوا المحكم ، وآمنوا بالمتشابه ، واعتبروا بالأمثال)
ابو الحسن ماوردی تمثیل را از عظیم‌ترین علوم قرآنی به شمار می‌آورد و می‌گوید : (... إن
من أعظم علوم القرآن يستفاد منه أمور كثيرة : التذكير ، و الوعظ ، والحث ، والزج ، والاعتبار
، والتقرير ، وترتيب المراد للعقل ، وتصويره في صورة المحسوس ، بحيث تكون نسبتة للعقل
كنسبة المحسوس إلى الحس) . از آن ، که با تمثیل ترتیب کننده همه مستلزمات برای عقل و
عکس کننده آن با صورت محسوس است ، به‌طوریکه نسبتش به عقل همان نسبت محسوس به
حس می‌باشد ^(۵۷) . قال تعالى: وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ
أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ([الكهف : ۵۴] .

تفاوت بین مثل و حکمت

تفاوت بین ضرب‌المثل و حکمت از امور سخت است ، در خصوص ضرب‌المثل ، در
سطور قبلی به تفصیل ، آراء و جنبه‌های مختلفش بیان شد . اما حکمت ، که اصل این واژه از
زبان عربی به زبان فارسی وارد شده است با همان رسم حروف و معنا است . حکمت مانند مثل
؛ بلکه حکمت از منظور فلسفی ، انتزاعی و اندیشه‌ای صادر می‌شود ، و عقل بشری دارای
نقش مهمی در ایجاد و تولید حکمت است . شایان ذکر است که بیشتر ادبا و نویسندگان در
مواضع سخن پیرامون موضوعات ادبی بین مثل و حکمت فرق نمی‌دهند . چون مثل در جایگاه
حکمت ، و حکمت در جایگاه مثل به کار می‌برند . واقعا بین مثل و حکمت نقاط مشترک زیاد
هست بلکه نیز تفاوتی بین آنها وجود داشت . برای فهم این تفاوت باید مفهوم حکمت در لغت

واصطلاح بهطورعمومی بفهمیم تا نقاط تفاوت و اشتراک بین آنها تشخیص دهیم . در قوامیس عربی حکمت به معنی :

" العدل والعلم والحلم والنبوة والقرآن والإنجيل . وقيل ما يمنع من الجهل . وقيل كل كلام موافق الحق . وقيل وضع الشيء في موضعه وصواب الأمر وسداده . وهي في الأصل إتقان القول والفعل وإحكامهما ج حِكْم . قيل سميت حكمة لأنها تمنع مما لا ينبغي . وعلم الحكمة هو علم يُبحث فيه عن حقائق الأمور على ما هي عليه في الوجود بقدر الطاقة البشرية . والحكمة الإلهية علمٌ يُبحث فيه عن أحوال الموجودات الخارجية المجردة عن المادة التي لا بقدرتنا ولا باختيارنا . وقيل هي العلم بحقائق الأشياء على ما هي عليه والعمل بمقتضاه . وأهل الحكمة الفلاسفة . . . والحكمة من الكلام عبارةٌ تفيد أدبا أو عظةً أو تجري مجرى المثل ج حِكْم ... " (٥٨)

از دیدگاه ادبی " الحكمة : إتقان المعاني اللائقة بأحوال الناس والتعبير عما يقع لهم في غالب الأمور . ولا تصدر الحكمة في الغالب إلا عن العقلاء المجربين المستبصرين بعواقب الأمور ، ... فالحكمة : خلاصة تجربة يصوغها الإنسان في عبارة موجزة ، قال النبي محمد - صلوات الله عليه وآله وسلم - (الحكمة ضالة المؤمن يأخذها ممن سمعها ، ولا يبالي من أي وعاءٍ خرجت) ... " (٥٩) . از این رو حکمت مانند مثل است که می‌توان به زبان و ملل دیگر غیر جایگاه منشأ آن انتقال یابد .

حکمت در قوامیس فارسی نیز با مفاهیم زیر آورده شده است : " دانایی ، دانش ، معرفت ، فرزاندگی ، دلیل و سبب ، پند و اندرز ، درست کرداری و گفتاری ، سخن استوار ، کلام موافق حق ، زیرکی ، پیشگویی ، داد ، حلم و برداری ، صلاح و مصلحت ، انجام فعل پسندیده ، واز نظر فلسفی ، حکمت علمی است که در آن از حقایق اشیا چنان که در نفس الامر به اندازه توانایی و قدرت بشر است بحث می‌شود. و نزد صوفیه ، حکمت اسراری است که با عوام نتوان گفت . " (٦٠) بنابراین مفهوم حکمت در لغت و اصطلاح بین زبان عربی و فارسی یکسان است .

حکمت از نظر فارابی : " الحكمة : أن يكون صنْعَ كَامِنٍ في مصنوع فيستنبط ، فيودعَ لفظهً تشتمل عليه " (٦١) . فارابی رابطه بین مثل و حکمت را توضیح داده و می‌گوید : " والمثل : ما تراضاه الخاصة والعامة في لفظه و معناه حتى ابتدلوه فيما بينهم ، ... ، وهو من أبلغ الحكمة ؛ لأنَّ الناس لا يجتمعون على ناقصٍ أو مقصرٍ في الجودة ، أو غير مبالغٍ في بُلُوغ المَدَى في النَّفَاسَة " (٦٢) . اینجا فارابی مثل را بخشی از حکمت به حساب می‌آورد ، به عبارت



دیگر اصطلاح حکمت شاملتر از مثل است که همه ویژگی‌های حکمت در بطون مثل هست ، بلکه برخی از ویژگی‌های مثل در حکمت داشته باشد . از این رو ابی هلال عسکری در مقدمهٔ جمهرة الامثال گفت : " ... ، ثم جعل كل حكمة سائرة مثلا . " (۶۳)

سیوطی در کتاب (المزهر) بنقل از ابو عبید ، ویژگی‌های فنی ضرب‌المثل‌ها را همان ویژگی‌های حکمت می‌داند ، و می‌گوید : " قال أبو عبید : الأمثال حكمة العرب في الجاهلية والإسلام ، و بها كانت تعارض كلامها فتبلغ بها ما حاولت من حاجاتها في المنطق بكنائية غير تصريح ، فيجتمع لها بذلك ثلاث خلال : إيجاز اللفظ ، وإصابة المعنى ، وحسن التشبيه " (۶۴) . بنابراین ضرب‌المثل و حکمت سه ویژگی فنی مشترک دارند ، که آن سبب به هم زدن بین آنها است :

۱- ایجاز لفظ ۲- اصابت معنی ۳- حسن تشبیه

در این سوی حسن ذو الفقاری می‌گوید : " در برخی از کتاب‌های ضرب‌المثل گاه برخی حکمت‌ها را به عنوان مثل ضبط کرده‌اند . کلمات قصار بزرگان ، اغلب حکمت است نه مثل . مثل رواج دارد و حاصل تجربیات مردم است ؛ اما حکمت رواج کمتری دارد و مبتنی بر عقل و اندیشه اندیشمندان است . تنها وجه اشتراک مثل و حکمت جنبهٔ اندرزی آن است " (۶۵) . بر اساس آنچه بیان شد می‌توان چند نقطهٔ تفاوت بین ضرب‌المثل و حکمت را به صورت خلاصه عنوان داشت :

- ۱- بیشتر موضوعات مثل از داستان‌ها، حکایات و افسانه‌ها است ، بلکه موضوعات حکمت اندیشه‌های اندیشمندان مبتنی بر عقل و انتزاعی است .
 - ۲- موضوعات مثل با روش تمثیلی از مجاز ، استعاره ، تشبیه و کنایه در ایراد مثل استفاده می‌کنند . اما حکمت ، با وجود به کار بردن قالب ضرب‌المثل ، تمثیلی نیست .
 - ۳- هم مثل و هم حکمت ، از عبارات موجز با کمال معنی و حسن بیان می‌باشند ، ولی حکمت می‌تواند درازتر باشد .
 - ۴- مثل رواج دارد و حاصل تجربیات مردم است ؛ اما حکمت رواج کمتری دارد .
 - ۵- معمولا منابع ضرب‌المثل‌ها معلوم نیست ؛ اما منابع حکمت در اغلب معلوم است که بیشتر آنها از زبان حکما، فلاسفه و بزرگان بیان شده است .
 - ۶- بارزترین وجوه اشتراک بین آنها در جنبهٔ اندرزی آن است .
- نتیجه گیری ها :**

در پایان این تحقیق به چند نتیجه گیری رسیدیم ، همان زیر است :



- ١- ضرب المثل را موجب آرایش و تقویت سخن و نشانه توانایی گوینده دانسته اند .
- ٢- می توان مثل یا حکمت از طریق یک اثر ادبی (نظم یا نثر) یا تجربه های شخصی به دست می گیریم . به معنا دیگر مثل با فکر فلسفی و روان شناسی ارتباط مستقیم دارد .
- ٣- دلالت ، صور و اشکال مختلفی می گیرد . از نمونه های دلالت ، ممکن است توی یک واژه یا لفظ ، نشانه و تصور ذهنی و هر چیزی دیگر که دارای معنا و مفهوم می باشد . این نگاه فلسفی شامل همه گونه های دلالت موجود در مجاز واجزای خود استعاره ، اصطلاح و ضرب المثل ... و غیره است . لذا ارسال مثل حتما از ذهن و عقل فلسفی صادر می کند و برای درک معانی تحت اللفظی مثل ، باید فراهم آوردن و حضور توانائی و قدرات فلسفی و منطقی پیش گیرنده یا مخاطب باشد .
- ٤- فراینده های ادراک و فهم مثل ، شامل توانایی هایی چون پردازش کردن متن در حافظه کاری ، بازسازی پاسخ ، انعطاف پذیری شناختی و تفکر انتزاعی است ، که هیچ اختلال در یکی از آنها ، اختلالی در درک معنای مجازی و انتزاعی منجر گردد .
- ٥- فرهنگ دو بخش دارد ، یکی در آثار مکتوب و دومی شفاهی که بر زبان مردم منتقل می شود، اما ضرب المثل از بارزترین گونه های بخش دوم محسوب می شود . آن را در گفتار و سخنان مردم روزمره گوش می دهیم ، و متداولترین از انواع ادبیات شفاهی دیگر است . لذا برخی ادبا و مفکران بنام آینه فرهنگ ملل دانسته اند .
- ٦- می توان از نظریه های زبان شناسی و نشانه شناسی نو در شرح و تحقیق متون آیات قرآنی استفاده کرد . و حتما مفاهیم جدیدی بدست خواهیم گرفت ، اینست یکی از اعجاز قرآنی می شمارد ، که مفاهیم قرآنی در طول زمان و هر مکان مناسب شده است .
- ٧- مثل های قرآنی از مقوله مثل های مردمی نمی باشند؛ زیرا مثل های قرآنی جزو سخنان حکیمانه ای نیست که به مرور زمان رایج شده باشد. در واقع ، مثل های قرآنی تمثیل هستند و اساس آنها را تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه تشکیل می دهد .
- ٨- مثل همان حکمت نیست ، حتی اگر آن را ؛ حاوی حکمت باشد. بلکه احیانا ژرف تفکر عمیقتر می باشد ، که مفاهیم و معانی و عبرت آمیزی می برد و آن را بصورت تمثیلی و تشبیه تعبیر می کند . و در برخی مواضع مثل و حکمت متشابهند از حیث ایجاز و فصاحت و تشبیه ، اما وجه اشتراک بین آنها فقط در پند و اندرزی می باشد.



۹- حکمت مبتنی بر تفکر و تبصر در امور زندگی می باشد و برای کشف اسرار آن تلاش می کند ، در اغلب قائل حکمت را در محیط خود نامدار دارد ؛ و دارای توانایی و فصاحت و دانش و فلسفه است .

الهوامش :

- ۱ - مجد الدین محمد بن یعقوب الفیروز آبادی : قاموس المحيط ، ط ۸ ، لبنان : بیروت ، مؤسسة الرسالة ، ۲۰۰۵ ، باب المیم ، ص ۱۰۵۶ .
- * - سورة الرعد : ۳۵ .
- ۲ - ابن منظور الافريقي ، ابي الفضل جمال الدين محمد بن مكرم : لسان العرب ، باب الرء ، القاهرة : دار المعارف ، (بلا ت) ، ص ۴۱۳۲-۴۱۳۳
- ۳ - بطرس البستاني : محيط المحيط (قاموس مطول للغة العربية) ، لبنان : بيروت (مكتبة لبنان) ، تیبو برس ، ۱۹۸۷ ، ص ۸۲۸ .
- ۴ - دهخدا ، لغت نامه ، ذیل واژه المثل .
- ۵ - همان منبع ، ذیل واژه ضرب .
- ۶ - معین ، محمد : فرهنگ معین ، تهران : فرهنگ نما ، کتاب آزاد ، (۱۳۸۶) ، ص ۹۶۷ - ۹۶۸ .
- ۷ - همان منبع ، ص ۶۸۹ .
- ۸ - همان منبع ، ص هشت .
- ۹ - ر.ک : محمود اسماعیل صیني و آخرون ، معجم الأمثال العربية ، ط ۱ ، لبنان : بیروت ، المكتبة اللبنانية ، ۱۹۹۲ ، ص ز .
- ۱۰ - ر.ک : ابن قیم الجوزية ، الأمثال في القرآن الكريم ، تحقيق : سعيد محمد نمیر الخطیب ، لبنان : بیروت ، دار المعرفة للطباعة والنشر ، ۱۹۸۱ ، ص ۳۳ .
- ۱۱ - ر.ک : محمد بازي ، البنى التقابلية (خرائط جديدة لتحليل الخطاب) ، ط ۱ ، عمان : دار كنوز المعرفة للنشر والتوزيع ، ۱۴۳۶ هـ - ۲۰۱۵ م ، ص ۷۴ .
- ۱۲ - رحيم عفيفی ، مثلها وحکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری ، چاپ اول ، تهران : سروش ، ص ده ، ۱۳۷۱ .
- ۱۳ - همان منبع ، ص ده .
- ۱۴ - همان منبع ، ص چهارده .
- ۱۵ - عبد الحسين زرین کوب ، بحر در کوزه ، چاپ هفتم ، تهران : انتشارات علمی ، ۱۳۷۶ ، ص ۱۶۵ .
- ۱۶ - حسن ذو الفقاری ، داستان های امثال ، چاپ هفتم ، تهران : انتشارات مازیار ، ۱۳۹۶ ، ص ۱۷ .
- ۱۷ - همان منبع ص ۱۷ .
- * - پارابل Parable : مثل گویی و مثل آوردن و مثل گذراندن است . روایت کوتاهی است که در آن شباهت های ضمنی اما مفصل و دقیق و جزء به جزء با اجزای یک عقیده یا آموزه وجود داشته باشد .





اگزیمپلوم Exemplum : داستان - مثال یا مثال داستانی است . در این نوع تمثیلات اخلاقی ، واقعیتی کلی را در طی داستان کوتاهی بیان می کنند .

ر.ک : سیروس شمیسا ، انواع ادبی (ویرایش چهارم) ، تهران : نشر میترا ، ۱۳۸۹ ، ص ۲۵۸ - ۲۶۰ .
۱۸ - ر.ک : سیروس شمیسا ، انواع ادبی (ویرایش چهارم) ، منبع پیشین ، ص ۲۵۷ - ۲۵۸ .
۱۹ - عیسی منقی زاده والهام نیکویخت ، مقایسه ضرب المثل های فارسی و عربی ، نشره ادبیات تطبیقی ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، دانشگاه شهید باهنر کرمان ، سال ۶ ، شماره ۱۰ ، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ، ص 297 .

۲۰ - همان منبع ، ص ۲۹۶ .

۲۱ - ر.ک : حسن ذو الفقاری ، کاربرد ضرب المثل در شعر شاعران ایرانی ، نشره علمی - پژوهشی ، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا) ، سال ششم ، شماره اول ، پیاپی ۲۱ ، بهار ۱۳۹۱ ، ص ۱۰۱ .

۲۲ - ر.ک : ابن قیم جوزیه ، الأمثال فی القرآن الکریم ، منبع پیشین ، ص ۱۹-۲۰ .

۲۳ - رضا محمدی چابکی ، تبیین جایگاه زبان در تقویت مبانی ، تصریح اهداف و توسعه ی وسایل تربیت ، دو فصلنامه علمی / پژوهشی دانشگاه شاهد ، سال بیست و دوم ، دوره جدید ، شماره ۷ ، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ، ص ۲۰۱ .

۲۴ - آرسطو طالیس ، الخطابة ، تحقیق : عبد الرحمن بدوی ، الناشر : الكويت - وكالة المطبوعات و بیروت - لبنان - دار القلم ، ۱۹۷۹ ، ص ۱۳۷-۱۳۸ .

پژوهنده : این کتاب با ترجمه عربی هست اما اسم مترجم معلوم نیست و محقق کتاب (عبد الرحمن بدوی) این ترجمه مستحسن نیست . چون این متن همان در کتاب آورده ، تضمین شدید .

۲۵ - ر.ک : محمد مشبال ، خطاب الاخلاق والهوية في رسائل الجاحظ (مقارنة بلاغية حجاجية) ، ط ۱ ، عمان : دار كنوز المعرفة للنشر والتوزيع ، ۱۴۳۶ هـ - ۲۰۱۵ م ، ص ۹۸ .

۲۶ - ر.ک : محمد رضایی و نرجس مقیمی ، بررسی استعاره های مفهومی در ضرب المثل ها فارسی ، مطالعات زبانی بلاغی ، سال چهارم . پاییز و زمستان . شماره هشتم - ۱۳۹۲ ، ص ۹۲

۲۷ - ر.ک : سارة قطاف ، الخطاب السردی فی کتاب کلیلة ودمنة لابن المقفع ، رسالة ماجستير ، جامعة الحاج لخضر - باتنة - ، كلية الاداب واللغات ، قسم اللغة العربية ، ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳ ، ص ۱۹۱ .

۲۸ - حنا فاحوری و خلیل الجر ، تاریخ فلسفه در جهان اسلام ، تر : عبد المحمد آیتی ، تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۳ ، ص ۴۹ .

۲۹ - همان منبع ، ص ۴۹ .

۳۰ - همان منبع ، ص ۴۶-۴۷ .

۳۱ - محمد بن ابي بكر بن عبد القادر الرازي ، الامثال والحكم ، منشورات المستشارية الثقافية للجمهورية الاسلامية الإيرانية بدمشق ، ۱۹۸۷ ، ص ۱۹ .



- ٣٢ - ر.ك : سهام فلاحي ، المصطلح اللساني عند الجاحظ في البيان والتبيين (دراسة صوتية تطبيقية) ، رسالة ماجستير ، الجزائر : جامعة ابي بكر بلقايد ، ٢٠١٤-٢٠١٥ ، ص ٢١-٢٣ .
- ٣٣ - أبي عثمان عمرو بن بحر الجاحظ ، البيان والتبيين ، تح : عبد السلام هارون ، ج ١ ، القاهرة : مكتبة الخانجي ، ١٩٩٨ ، ص ٧٨ .
- ٣٤ - همان منبع ، ص ١٢١ .
- ٣٥ - ر.ك : احمد رضا سرمدى و امير على نجوميان ، اسطوره پدر در رمان پدر بى جان و داستان رستم وسهراب از دید روان شناسى فرويد ، پژوهشنامه ادب حماسى ، سال چهاردهم ، شماره دوم ، پیاپی ٢٦ ، پاییز و زمستان ٩٧ ، ص ١٣٤ .
- * - روان شناسى زبان که در اصطلاح انگليزى (Psychological linguistics) يا (psychology of language) مى نامد . اما زبانشناسى روان که با اصطلاح انگليزى (Psycholinguistics) آمده است . در اصطلاح اول پژوهندگان به مطالعات روان شناختى را به کمک زبانشناسى در بر ميگيرند تا مشکلاتى موجود بين آنها حل مى کند . اما اصطلاح دوم برای اهتمامکنندگان به مطالعات زبانی است حيث زبانشناسان از داده‌های روان شناسى برای تجاوز مشکلات جستجوی شان استفاده مى کنند . نگاه مى کنیم که هر دو دانش مذکور به علوم روانى و زبانی توجه میکنند ، و در زمينه ايجاد ارتباط بين گوینده و شنونده يا نویسنده و خواننده عمل مى کنند . مى توان گفت که دانش زبان شناسى روان (Psycholinguistique) يکى از نوينترين تخصصات زبانی که در امريکا سال ١٩٥٣ به ظهور آمد و به عملى ارتباط بشر مورد اهتمام مى کند . برای اطلاع بیشتر ، ر.ك :
- ميلکا إفيتش ، اتجاهات البحث اللساني ، تر : سعد عبد العزيز مصلوح - وفاء كامل فايد ، القاهرة : المجلس الاعلى للثقافة ، ٢٠٠٠ ، ص ٣٠٩ .
- محمد رضا باطنى : زبان و تفکر ، چاپ هفتم ، تهران : مؤسسه انتشارات آگاه ، ١٣٧٨ ، ص ١١٨ .
- احمد حساني ، مباحث في اللسانيات ، ط ٢ ، نسخه الكترونيك ، سلسلة الكتاب الجامعي ، الامارات العربية المتحدة : دبي ، منشورات كلية الدراسات الاسلاميه والعربيه ، ٢٠١٣ ، ص ٢٣-٢٥ .
- عزيز كعواش ، علم اللغة النفسى Psycholinguistique بين الادبيات اللسانية والدراسات النفسية ، المعيار ، المجلد ١٣ ، العدد ٢٦ ، الصفحة ٥٠٩-٥٢٦ .
- ٣٦ - فريد فدایی ، چامسكى و روانشناسى زبان ، مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى ، ادبستان ، شماره نوزدهم ، ص ٥٣ .
- ٣٧ - سيروس شميسا ، نقد ادبى ، منبع پيشين ، ص ٢٥٣ .
- ٣٨ - ر.ك : فردوس آفاكل زاده ، نگاهى به تفكر و زبان ، فصلنامه تازههاى علوم شناختى ، سال 5 ، شماره ١ ، ١٣٨٢ ، ص ٤١ .
- ٣٩ - ر.ك : وحيد نجاتى و ديگران ، درك ضرب المثلهاى فارسى در نوجوانان يك زبان و دوزبانه : تحليل مقايسه‌اى عملکرد بر پايه مدل اقناع محدوديت ، دانشگاه تربيت مدرس ، فصلنامه پژوهشهاى زبان وادبيات تطبيقى ، ٣د ، ش ٣ (پياپی ١١) ، پاییز ١٣٩١ ، صص ١٩٤ .



- ۴۰ - وحید نجاتی و سمیه رامش ، آزمون درک ضرب المثل فارسی : ساخت و بررسی ویژگی های روانسنجی ، مجله علمی پژوهشی توانبخشی نوین - دانشکده توانبخشی - دانشگاه علوم پزشکی تهران ، دوره ۹ ، شماره ۵ ، ویژه نامه شماره سه ، زمستان ۱۳۹۴ ، ص ۱۰۶ .
- ۴۱ - ر.ک : همان منبع ، ص ۱۰۶ .
- ۴۲ - وحید نجاتی و دیگران ، درک ضرب المثل های فارسی ، منبع پیشین ، ص ۱۹۴ .
- ۴۳ - محمد رضا باطنی ، زیان و تفکر ، منبع پیشین ، ص ۱۲۶ .
- ۴۴ - عباس قنبری عدیوی ، بررسی تطبیقی قوم شناسی وزبانی مثل های بختیاری و تاجیکی ، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی ، ۲۵ ، ش ۱ ، ۱۳۹۰ ، ص ۱۲۶ .
- ۴۵ - ر.ک : مونا چراغی و مریم ابراهیمی ، تحلیل روانشناختی رابطه والد - فرزندی در ضرب المثل های ایرانی ، فصلنامه خانواده پژوهی ، سال چهاردهم ، شماره ۵۵ ، پاییز ۱۳۹۷ ، ص ۳۸۸ .
- ۴۶ - ر.ک : محمد رضایی و نرجس مقیمی ، بررسی استعاره های مفهومی در ضرب المثل های فارسی ، منبع پیشین ، ص ۱۰۴-۱۱۰ .
- ۴۷ - ابن منظور ، لسان العرب ، منبع پیشین ، ص ۱۸۵ .
- ۴۸ - محمد حسین الطباطبائی ، المیزان فی تفسیر القرآن ، ج ۱ ، لبنان : بیروت ، منشورات مؤسسة الأعلى للطبوعات ، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م ، ص ۱۲۱ .
- ۴۹ - همان منبع ، ص ۱۸ .
- ۵۰ - همان منبع ، ص ۱۸ .
- ۵۱ - نیلوفر رضازاده و فاطمه شاهرودی ، جستاری بر انواع تمثیل در مثل ها و قصه های قرآن کریم ، معرفت ، سال بیست و یکم . شماره ۱۸۰ . آذر ۱۳۹۱ ، ص مقدمه .
- ۵۲ - همان منبع ، ص ۵۷ - ۶۸ .
- ۵۳ - فرشته دارابی و عباس اشرفی ، بررسی و مقایسه امثال در قرآن کریم و عهد جدید ، الهیات تطبیقی (علمی) ، سال دهم ، شماره بیست و یکم ، بهار و تابستان ، ۱۳۹۸ ، ص ۴۷ .
- ۵۴ - زهرا فرید ، مثل در قرآن ، فصلنامه پژوهش های قرآنی ، دوره ۱۴ ، شماره ۵۶ ، زمستان ۱۳۸۷ ، ص ۱۶۴ - ۱۷۱ .
- ۵۵ - محمد کاظم رحمان ستایش و فاطمه محسنی ، روش تربیتی تمثیل در قرآن و روان شناسی با تأکید بر تفاسیر معاصر شیعه ، منهاج ، سال ششم ، شماره دهم ، (بهار و تابستان ۱۳۸۹) ، ص ۶۰ .
- ۵۶ - ر.ک : طاهر بن زیان ، الامثال والحکم فی القرآن الکریم ، ۲۰۱۷ ، ص ۲۶ .
<http://dspace.univ-djelfa.dz:8080/xmlui/handle/123456789/796>
- ۵۷ - همان منبع ، ص ۳۰ - ۳۲ .
- ۵۸ - بطرس البستانی ، محیط المحيط ، منبع پیشین ، ص ۱۸۴-۱۸۵ .
- ۵۹ - احمد مطلوب ، معجم مصطلحات النقد العربي القديم ، ۱ ، لبنان : بیروت ، مكتبة لبنان ناشرون ، ۲۰۰۱ ، ص ۲۱۲ - ۲۱۳ .



- ٦٠ - رحيم عفيفي ، مثلها وحكمتها در آثار شاعران قرن سوم تا يازدهم هجري ، منبع پيشين ، ص شانزده.
- ٦١ - أبي ابراهيم اسحاق بن ابراهيم الفارابي ، ديوان العرب ، تح : احمد مختار عمر ، ج ١ ، مجمع اللغة العربية ، ٢٠٠٣ ، ص ٧٤ .
- ٦٢ - همان منبع ، ص ٧٤ .
- ٦٣ - ابي هلال الحسن بن عبد الله بن سهل العسكري ، جمهرة الامثال ، ج ١ ، ط ١ ، لبنان : بيروت ، دار الكتب العلمية ، ١٩٨٨ ، ، المقدمة .
- ٦٤ - عبد الرحمن جلال الدين السوطي ، المزهري في علوم اللغة وأنواعها ، ج ١ ، ط ٣ ، القاهرة : مكتبة دار التراث ، بلا ت ، ص ٤٨٦ .
- ٦٥ - حسن ذو الفقاري ، كاريبرد ضرب المثل در شعر شاعران ايراني ، منبع پيشين ، ص ١٠٠ .

منابع و مراجع تحقيق :

- القرآن الكريم

منابع فارسی /

١. آقاگل زاده ، فردوس : نگاهی به تفکر و زبان ، فصلنامه تازههای علوم شناختی ، سال 5 ، شماره ١ ، ١٣٨٢ .
٢. باطنی ، محمد رضا : زبان و تفکر ، چاپ هفتم ، تهران : مؤسسه انتشارات آگاه ، ١٣٧٨ .
٣. چابکی ، رضا محمدی ، (پاییز و زمستان ١٣٩٤) ، تبيين جایگاه زبان در تقویت مبانی ، تصریح اهداف و توسعه ی وسایل تربیت ، دو فصلنامه علمی / پژوهشی دانشگاه شاهد ، سال بیست و دوم ، دوره جدید ، شماره ٧ .
٤. چراغی ، مونا و ابراهیمی ، مریم : تحليل روانشناختي رابطه والد - فرزندی در ضرب المثل های ايراني ، فصلنامه خانواده پژوهی ، سال چهاردهم ، شماره ٥٥ ، پاییز ١٣٩٧ .
٥. دارابی ، فرشته و اشرفی ، عباس : بررسی و مقایسه امثال در قرآن کریم و عهد جدید ، الهیات تطبیقی (علمی) ، سال دهم ، شماره بیست و یکم ، بهار و تابستان ، ١٣٩٨ .
٦. دهخدا ، لغت نامه .
٧. ذو الفقاری ، حسن : داستان های امثال ، چاپ هفتم ، تهران : انتشارات مازیار ، ١٣٩٦ .
٨. _____ : کاريبرد ضرب المثل در شعر شاعران ايراني ، نشریه علمی - پژوهشی ، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا) ، سال ششم ، شماره اول ، پیاپی ٢١ ، بهار ١٣٩١ .
٩. رضازاده ، نیلوفر و شاهرودی ، فاطمه : جستاری بر انواع تمثیل در مثل ها و قصه های قرآن کریم ، معرفت ، سال بیست و یکم . شماره ١٨٠ ، آذر ١٣٩١ .
١٠. رضایی ، محمد و مقیمی نرجس : بررسی استعاره های مفهومی در ضرب المثل های فارسی ، مطالعات زبانی بلاغی ، سال چهارم . پاییز و زمستان . شماره هشتم ، ١٣٩٢ .
١١. زرین کوب ، عبد الحسین : بجر در کوزه ، چاپ هفتم ، تهران : انتشارات علمی ، ١٣٧٦ .



۱۲. ستایش ، محمد کاظم رحمان و محسنی ، فاطمه : روش تربیتی تمثیل در قرآن و روان شناسی با تأکید بر تفاسیر معاصر شیعه ، منهاج ، سال ششم ، شماره دهم ، (بهار و تابستان ۱۳۸۹) .
۱۳. سرمدی ، احمد رضا و نجومیان ، امیر علی : اسطوره پدر در رمان پدر بی جان و داستان رستم و سهراب از دید روان شناسی فروید ، پژوهشنامه ادب حماسی ، سال چهاردهم ، شماره دوم ، پیاپی ، پاییز و زمستان ۹۷) ۲۶ .
۱۴. شمسیا ، سیروس : انواع ادبی (ویرایش چهارم) ، تهران : نشر میترا ، ۱۳۸۹ .
۱۵. _____ : نقد ادبی ، ویرایش دوم ، تهران : میترا ، ۱۳۸۵ .
۱۶. عدوی ، عباس قنبری: بررسی تطبیقی قوم شناسی وزبانی مثل های بختیاری و تاجیکی ، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی ، ۲۵ ، ش ۱ ، ۱۳۹۰ .
۱۷. عفیفی ، رحیم : مثلا وحکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری ، چاپ اول ، تهران : سروش ، ۱۳۷۱ .
۱۸. فاخوری ، حنا و الجر ، خلیل : تاریخ فلسفه در جهان اسلام ، تر : عبدالمحمد آیتی ، تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۳ .
۱۹. فدایی ، فرید : چامسکی و روانشناسی زبان ، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی ، ادبستان ، شماره نوزدهم .
۲۰. فرید ، زهرا : مثل در قرآن ، فصلنامه پژوهش های قرآنی ، دوره ۱۴ ، شماره ۵۶ (زمستان ۱۳۸۷) .
۲۱. معین ، محمد : فرهنگ معین ، تهران : فرهنگ نما ، کتاب آزاد ، ۱۳۸۶ .
۲۲. متقی زاده ، عیسی و نیکوبخت ، الهام : مقایسه ضرب المثل های فارسی و عربی ، نشریه ادبیات تطبیقی ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، دانشگاه شهید باهنر کرمان ، سال ۶ ، شماره ۱۰ ، بهار و تابستان ۱۳۹۳ .
۲۳. نجاتی ، وحید و دیگران : درک ضرب المثل های فارسی در نوجوانان یک زبان و دوزبانه : تحلیل مقایسه ای عملکرد بر پایه مدل اقناع محدودیت ، دانشگاه تربیت مدرس ، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی ، ۳۵ ، ش ۳ (پیاپی ۱۱) ، (پاییز ۱۳۹۱) .
۲۴. نجاتی ، وحید و رامش ، سمیه : آزمون درک ضرب المثل فارسی : ساخت و بررسی ویژگی های روانسنجی ، مجله علمی پژوهشی توانبخشی نوین - دانشکده توانبخشی - دانشگاه علوم پزشکی تهران ، دوره ۹ ، شماره ۵ ، ویژه نامه شماره سه ، (زمستان ۱۳۹۴) .
- منابع عربی /
۲۵. ابن منظور الافریقی ، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم : لسان العرب ، باب الرء ، القاهرة : دار المعارف (بلات) .
۲۶. بازي ، محمد : البنی التقابلیة (خرائط جدیدة لتحلیل الخطاب) ، ط ۱ ، عمان : دار كنوز المعرفة للنشر والتوزیع ، ۱۴۳۶هـ - ۲۰۱۵م .

٢٧. البستاني ، بطرس : محيط المحيط (قاموس مطول للغة العربية) ، لبنان : بيروت (مكتبة لبنان) ،
تبيو برس ، ١٩٨٧ .
٢٨. الجاحظ ، أبي عثمان عمرو بن بحر: البيان والتبيين ، تح : عبد السلام هارون ، ج ١ ، القاهرة :
مكتبة الخانجي ، ١٩٩٨ .
٢٩. الجوزية ، ابن قيم : الأمثال في القرآن الكريم ، تحقيق : سعيد محمد نمير الخطيب ، لبنان : بيروت ،
دار المعرفة للطباعة والنشر ، ١٩٨١ .
٣٠. الرازي ، محمد بن أبي بكر بن عبد القادر : الامثال والحكم ، منشورات المستشارية الثقافية للجمهورية
الاسلامية الايرانية بدمشق ١٩٨٧ .
٣١. السيوطي ، عبد الرحمن جلال الدين : المزهر في علوم اللغة وأنواعها ، ج ١ ، ط ٣ ، القاهرة : مكتبة
دار التراث ، (بلا ت) .
٣٢. صيني ، محمود اسماعيل و آخرون : معجم الأمثال العربية ، ط ١ ، لبنان : بيروت ، المكتبة اللبنانية
١٩٩٢ .
٣٣. طاليس ، أرسطو : الخطابة ، تحقيق : عبد الرحمن بدوي ، الناشر : الكويت - وكالة المطبوعات و
بيروت - لبنان - دار القلم ، ١٩٧٩ .
٣٤. الطباطبائي ، محمد حسين : الميزان في تفسير القرآن ، ج ١ ، لبنان : بيروت ، منشورات مؤسسة
الأعلى للمطبوعات ، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م .
٣٥. العسكري ، ابي هلال الحسن بن عبد الله بن سهل : جمهرة الامثال ، ج ١ ، ط ١ ، لبنان : بيروت ،
دار الكتب العلمية ، ١٩٨٨ .
٣٦. الفارابي ، أبي ابراهيم اسحاق بن ابراهيم : ديوان العرب ، تح : احمد مختار عمر ، ج ١ ، مجمع
اللغة العربية ، ٢٠٠٣ .
٣٧. فلاحى ، سهام : المصطلح اللساني عند الجاحظ في البيان والتبيين (دراسة صوتية تطبيقية) ، رسالة
ماجستير ، الجزائر : جامعة ابي بكر بلقايد ، ٢٠١٤-٢٠١٥ .
٣٨. الفيروز آبادى ، مجد الدين محمد بن يعقوب : القاموس المحيط ، ط ٨ ، لبنان : بيروت ، مؤسسة
الرسالة ، ٢٠٠٥ .
٣٩. قطاف ، سارة : الخطاب السردى في كتاب كليله ودمنة لابن المقفع ، رسالة ماجستير ، جامعة الحاج
لخضر - باتنة - ، كلية الاداب واللغات ، قسم اللغة العربية ، ٢٠١٢ - ٢٠١٣ .
٤٠. مشبال ، محمد : خطاب الاخلاق والهوية في رسائل الجاحظ (مقارنة بلاغية حجاجية) ، ط ١ ،
عمان : دار كنوز المعرفة للنشر والتوزيع ، ١٤٣٦ هـ - ٢٠١٥ م .
٤١. مطلوب ، احمد : معجم مصطلحات النقد العربي القديم ، ط ١ ، لبنان : بيروت ، مكتبة لبنان ناشرون ،
٢٠٠١ .

منابع انترنتي /

٤٢. بن زيان ، طاهر ، (٢٠١٧) ، الامثال والحكم في القرآن الكريم .

Research sources and references:

- Alquran alkarim

Persian resources /

1-Aghagolzadeh, Ferdows, (2003), A Look at Thought and Language, Cognitive Science Quarterly, Volume 5, Number 1.

2- Bateni, Mohammad Reza, (1999), Language and Thought, seventh edition, Tehran: Agah Publishing Institute.

3- Chabaki, Reza Mohammadi, (Autumn and Winter 2015), Explaining the position of language in strengthening the foundations, specifying goals and developing educational tools, two scientific / research quarterly journals of Shahed University, year 22, new volume, number 7.

4- Cheraghi, Mona and Ebrahimi, Maryam, (Autumn 1397), Psychological analysis of the parent-child relationship in Iranian proverbs, Family Research Quarterly, Fourteenth Year, No. 55.

5- Darabi, Fereshteh and Ashrafi, Abbas, (1398), A Study and Comparison of Proverbs in the Holy Quran and the New Testament, Comparative (Scientific) Theology, Tenth Year, No. 21, Spring and Summer.

6- Dekhoda, Dictionary.

7- Dhu al-Faqari, Hassan, (1396), Stories of Proverbs, seventh edition, Tehran: Maziar Publications.

8- Dhu al-Faqari, Hassan , (Spring 2012), The use of proverbs in the poetry of Iranian poets, Scientific-Research Journal, Journal of Persian Language and Literature (Gohar Goya), Year 6, Number 1, Consecutive 21.

9- Rezazadeh, Niloufar and Shahroudi, Fatemeh, (December 2012), A Study on the Types of Allegories in the Proverbs and Stories of the Holy Quran, Knowledge, Year 21 - No. 180.

10- Rezaei, Mohammad and Moghimi, Narjes, (2013), A Study of Conceptual Metaphors in Persian Proverbs, Rhetorical Linguistic Studies, Fourth Year - Autumn and Winter - Eighth Issue.

11- Zarrinkoob, Abdolhossein, (1997), The Sea in a Jar, seventh edition, Tehran: Scientific Publications.

12- Stayesh, Mohammad Kazem Rahman and Mohseni, Fatemeh, (Spring and Summer 2010), The Educational Method of Allegory in the Qur'an and Psychology with Emphasis on Contemporary Shiite Interpretations, Minhaj, Year 6, Number 10.

13- Sarmadi, Ahmad Reza and Nojournian, Amir Ali, (Autumn and Winter 1997), The Myth of the Father in the Novel of the Inanimate Father and the Story of Rostam and Sohrab from Freud's Psychological Perspective, Journal of Epic Literature, Fourteenth Year, Second Issue, 26.

14- Shamisa, Sirius, (2010), Literary Types (Fourth Edition), Tehran: Mitra Publishing.

15-Shamisa, Sirius , (2006), Literary Criticism, Second Edition, Tehran: Mitra.

16- Adivi, Abbas Ghanbari, (2011), A Comparative Study of Ethnology and Linguistics such as Bakhtiari and Tajik, Quarterly Journal of Comparative Language and Literature Research, Vol. 2, No. 1.





- 17- Afifi, Rahim, (1992), Proverbs and Wisdoms in the Works of Poets of the Third to Eleventh Centuries AH, First Edition, Tehran: Soroush.
- 18- Fakhouri, Hana and Al-Jar, Khalil, (1373), History of Philosophy in the Islamic World, more: Abdolmohammad Ayati, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- 19- Fadaei, Farid: Chomsky and the Psychology of Language, Computer Research Center for Islamic Sciences, Literature, No. 19.
- 20- Farid, Zahra, (Winter 2008), Like in the Quran, Quarterly Journal of Quranic Research, Volume 14, Number 56.
- 21- Moein, Mohammad, (2007), Moein Culture, Tehran: Farhang Nema, Arad Book .
- 22- Mottaghizadeh, Issa and Nikobakht, Elham, (Spring and Summer 2014), Comparison of Persian and Arabic Proverbs, Journal of Comparative Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Volume 6, Number 10.
- 23- Nejati, Vahid et al., (Autumn 2012), Understanding Persian Proverbs in Monolingual and Bilingual Adolescents: A Comparative Analysis of Performance Based on Constraint Persuasion Model, Tarbiat Modares University, Quarterly Journal of Comparative Language and Literature Research, Vol. 3, No. 3 (consecutive) 11).
- 24- Nejati, Vahid and Ramesh, Somayeh, (Winter 2015), Persian Proverb Comprehension Test: Construction and Investigation of Psychometric Properties, Journal of Modern Rehabilitation - School of Rehabilitation - Tehran University of Medical Sciences, Volume 9, Number 5, Issue No. Three.
- Arabic Sources /
- 25- Ibn Manzur al-Afriqi, Abi al-Fadl Jamal al-Din Muhammad Ibn Makram, (Without T), Lisan al-Arab, Bab Raa, Cairo: Dar al-Maarif.
- 26-Bazi, Muhammad, (1436 AH-2015 CE), Contrastive structures (new maps for discourse analysis), 1st Edition, Amman: House of Treasures of Knowledge for Publication and Distribution.
- 27-Al-Bustani, Boutros, (1987), Muhit al-Muhit (an extended dictionary of the Arabic language), Lebanon: Beirut (Lebanon Library), Tipo Press.
- 28-Al-Jahez, Abi Uthman Amr Ibn Bahr, (1998), Al-Bayan and Al-Tabiyyin, ed .: Abd Al-Salam Haroun, Part 1, Cairo: Al-Khanji Library.
- 29-Al-Jawzia, Ibn Qayyim, (1981), Proverbs in the Holy Qur'an, edited by: Saeed Muhammad Namir al-Khatib, Lebanon: Beirut, Dar al-Ma'rifah for Printing and Publishing.
- 30-Al-Razi, Muhammad Ibn Abi Bakr Ibn Abd al-Qadir, (1987), Proverbs and Judgment, Publications of the Cultural Chancellery of the Islamic Republic of Iran in Damascus.
- 31-Al-Suyuti, Abd al-Rahman Jalal al-Din, (without T), Al-Muzhar in the Sciences of Language and its Types, C1, Ed 3, Cairo: Dar Al Turath Library.
- 32-Chinese, Mahmoud Ismail and others, (1992), The Dictionary of Arabic Proverbs, 1st Edition, Lebanon: Beirut, The Lebanese Library.
- 33-Thales, Aristotle, (1979), rhetoric, edited by: Abd al-Rahman Badawi, publisher: Kuwait - Publications Agency and Beirut - Lebanon - Dar al-Qalam.



34-Al-Tabataba'i, Muhammad Husayn, (1417 AH - 1997 AD), The Balance in the Interpretation of the Qur'an, Part 1, Lebanon: Beirut, Publications of the Supreme Institution for Publications.

35-Al-Askari, Abu Hilal Al-Hassan Bin Abdullah Bin Sahl, (1988), The Proverbs Group, Part 1, 1st Edition, Lebanon: Beirut, Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.

36-Al-Farabi, Abi Ibrahim Ishaq Bin Ibrahim, (2003), Diwan al-Arab, ed .: Ahmad Mukhtar Omar, Part 1, The Arabic Language Academy.

37-Falahi, Siham, (2014-2015), the linguistic term for Al-Jahiz in Bayan and Al-Tabiyyin (an applied audio study), MA Thesis, Algeria: Abi Bakr Belkaid University.

38-Al-Fayrouz Abadi, Majd Al-Din Muhammad Bin Yaqoub, (2005), Al-Qamoos Al-Muheet, 8 ed., Lebanon: Beirut, Al-Risalah Foundation.

39-Qitaf, Sarah (2012-2013), Narrative Discourse in the Book of Kalila wa Dimna by Ibn Al-Muqaffa, MA Thesis, Haji Lakhdar University - Batna -, Faculty of Literature and Languages, Department of Arabic Language.

40-Meshabal, Muhammad, (1436 AH - 2015 AD), Discourse of Ethics and Identity in the Letters of Al-Jahiz (An argumentative rhetorical approach), 1st Edition, Amman: Dar Kunooz Al Maarifa for publication and distribution.

41-Matlab, Ahmed: A Dictionary of Terms of Ancient Arabic Criticism, 1st Edition, Lebanon: Beirut, Lebanon Library Publishers, 2001.

Internet resources /

42- Bin Zayan, Taher, (2017), Proverbs and Rulings in the Noble Qur'an.
<http://dspace.univ-djelfa.dz>

